



انديشنگده تدبير آب ايران
انال پارکاس، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

نشست

تخصصی

(۲)

نشست نقد و بررسی
طرح پژوهشی

تکرگرای در حقوق آب

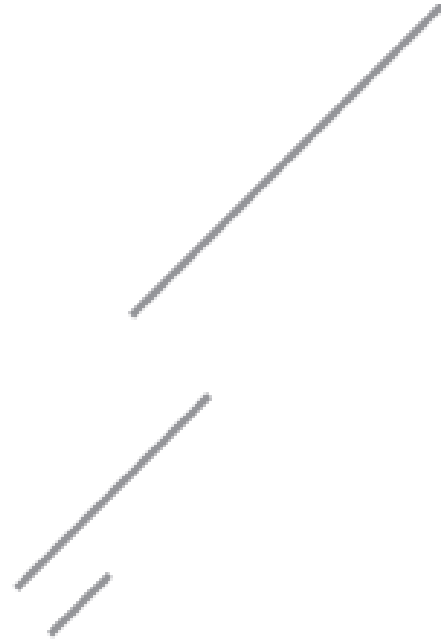
پژوهشگران طرح:

سروش طالبی اسکندری و سیدجلال الدین میرنظامی





عدالت، گوارا تر از
آبی است که تشنه
به آن می رسد



۱۴۰۲/۰۲/۳۰

شنبه

نشست تخصصی (۲)

نقد و بررسی طرح پژوهشی
تکثیرگرایی در حقوق آب

اندیشکده
تدبیر آب ایران

دبیر نشست:
سعید سلیمانی‌ها



اندیشکده تدبیر آب ایران
انجمن بازرسی، حسابرسی، معادن و کشاورزی کویران

شناسنامه | فیفا

نقد و بررسی طرح پژوهشی تکثرگرایی در حقوق آب

برگزارکننده: اندیشکده تدبیر آب ایران

دبیر نشست: سعید سلیمانی‌ها

میهمانان نشست: آقایان حسین زمانی، حسن محسنی، انوش نوری اسفندیاری، عباسقلی جهانی، مهدی فصیحی هرنندی، علی صالح کریمی، اکبر براری، حمید پشتوان و سرکار خانم مریم حسنی سعدی

صفحه آرایی: دبیرخانه اندیشکده

جلد: ایران تایپیست



اندیشکده تدبیر آب ایران
مؤسسه پژوهش و نشر آبیاری

آدرس دفتر: تهران، خیابان فتحی شفاقی، بین خیابان چهلستون و سید جمال‌الدین اسدآبادی، پلاک ۴۵، طبقه ۴.

آدرس تارنما: <http://www.iwpri.ir/>

آدرس پست الکترونیکی: info@iwpri.ir

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۷۰۲۰۱۳-۸۸۷۰۲۸۰۵



انديشكده تدبير آب ايران
انجمن تخصصي تدبير منابع و كادرفروشان

به ميزباني
انديشكده تدبير آب ايران

نشست نقد و بررسي طرح پژوهشي تكثرگرايي در حقوق آب

دبير نشست: سعيد سليماني ها

پژوهشگران طرح:

سروش طالبي اسكندري و سيدجلال الدين ميرنظامي



میهمانان نشست:

حسين زماني، حسن محسني، انوش نوري اسفندياري، عباسقلي جهاني، مهدي فصیحی هرندي،
علي صالح کریمی، اکبر براری، مریم حسنی سعدي و حميد پشتوان



تاریخ: شنبه

ساعت برگزاری: ۱۶

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

لينك شرکت در برنامه:
<https://b2n.ir/t57212>

■ سروش طالبی :

موضوع حقوق آب در روزگار امروز ما از این جهت که ما با منابع محدودی مواجه هستیم که تقاضای زیادی برایش وجود دارد و تعارض جدی برایش به وجود آمده است از اهمیت خاصی برخوردار است. این اهمیت از جهت چگونگی تخصیص آب، سهم هر فرد در منابع آب و چگونگی مدیریت آن می‌باشد.

دو کلید واژه مهم برای حقوق تعریف شده است.

RIGHT: به معنی حق و صحت و پذیرفتنی بودن ادعاها و فروض افراد می‌باشد.

LAW: مجموعه قواعد و چهارچوب‌هایی که روابط را بین انسان و محیط تنظیم می‌کند که منشا آن یا دولتی و یا اجتماعی می‌باشد.

در شرایط امروز ایران بیشتر نوع دوم حقوق توسط دولت و حکومت در نظر گرفته می‌شود. در موضوع آب از نظر حقوقی بحث عدم قانونمداری یا خلع قانونی مطرح می‌شود و راهکارهای آن داشتن قانونمداری و ارجاع آن به حکومت، رجوع به قانون برای حل این مشکلات و آمایش سرزمین (تعیین شیوه تنظیم فعالیت‌ها و سکونت‌های انسان بر اساس نظام حقوقی و دولتی) است. در اینگونه موارد حقوقدان‌ها که معمولاً از طرف دولت حمایت می‌شوند بخشی از نظام حقوقی و حقوق به آن اشاره می‌کنند که دارای ویژگی‌های به خصوصی باشد. یک نگاه تمرکزگرایانه‌ای به نظام حقوقی وجود دارد که به موارد و قواعدی اشاره می‌کند که توسط دولت و مجلس وضع می‌شود و دولت مجری آن و قوه قضاییه بر مبنای آن قضاوت می‌کند، به حقوق نگاه می‌شود.

در این راه شکل‌های دیگری از قواعد اجتماعی و هنجارهایی مانند مذهب، خانواده و قواعد درون شکل‌های کوچک‌تر، داوطلبانه یا یک ساختمان یا یک آپارتمان وجود دارد که موقعی قابل پذیرش است که در ذیل قوانین دولتی و سلسله مراتب و عدم تعارض با قوانین باشد و به این شکل نظام‌های حقوقی دیگر زیاد مورد توجه قرار نمی‌گیرند و در سطوح پایینتری هستند.

تعریف حقوق در خیلی از جاها مسئله دار است و نمی‌تواند جواب چالش‌های موجود را بدهد. یکی از این موارد این است که با وجود تسریع قانون در حل مشکلات، اما همچنان آب به شکل‌های مختلف از یکدیگر مدیریت و بهره‌برداری می‌شود. برای مثال در جاهایی که قرار است پولی از بهره‌بردار گرفته شود، چون پای دستگاه‌های نظارتی در میان است و کار باید شفاف و بدون تخلف باشد، خیلی قاعده‌مند و در چارچوب خاصی آب‌بها گرفته می‌شود، ولی در شبکه آبیاری و استان به استان می‌بینیم خیلی از قواعد، متفاوت با اصول اساسی است. هرچند که این اختلافات در کشاورزی کمتر می‌باشد (بررسی چگونگی گرفتن پول در شبکه‌های ورامین و زاینده رود و).

مورد دیگر بررسی حقوق حق‌آبه می‌باشد. برای مثال زاینده رود بسیار متفاوت‌تر از موارد مشابه دیگر است. به هر حال با وجود تصویب قانون برای حل مشکلات، آنجا همچنان تعارضات و بلاتکلیفی‌هایی وجود دارد. فوکو در سخنان خود در کتاب باید از جامعه دفاع کرد می‌گوید:

«جنگ به وضوح تولد دولت‌ها را در اختیار داشته است. حق، صلح و قوانین در خون و در کوران نبردها متولد شدند. نباید چنین معنی کرد که نبردها و درگیری‌های آرمانی را فیلسوفان یا حقوقدانان در سر پرورانده‌اند. درباره گونه توحش نظری سخنی نمی‌گوییم. قانون از طبیعت متولد نمی‌شود و در کنار چشمه‌ای که نخستین چوپانان به آن رفت و آمد می‌کردند متولد نشده است. قانون از نبردها، پیروزی‌ها، قتل‌عام‌ها و فتوحات واقعی متولد می‌شود که می‌توان آن‌ها را مشخص کرد و قهرمانان هراسناک خود را دارند.

قانون در شهرهای غرق در آتش و در میدان‌های تاراج شده متولد گردید. قانون به همراه معصومان نامداری متولد شد که در طلوعه روز درگذشتند. با این حال جامعه، قانون و دولت شبیه آتش‌بس‌های موقتی که به

جنگ‌ها پایان می‌بخشند، یا محصول پیروزی‌های معین نیستند. قانون به معنی برقراری صلح نیست چرا که زیر قانون جنگ همچنان در تمام ساز و کارهای قدرت حتی به طرز نظاممندتر بیداد می‌کند. جنگ موتوری است در پس نهادها و نظم است. صلح در ریزترین دندانه‌های جنگی سری را برپا می‌کند. به بیانی دیگر، می‌بایست جنگی را که در زیر صلح جریان دارد تفسیر کنیم. صلح خود جنگی رمزگذاری شده است. بنابراین ما با همدیگر در جنگ به سر می‌بریم. جبهه‌ی نبردی دائمی و پیوسته در سراسر جامعه برقرار هست و همین جبهه نبرد است که تمام ما را در این یا آن طرف قرار می‌دهد. چیزی چون سوژه بی‌طرف وجود ندارد. همه‌ی ما ناگزیر رقیب کسی هستیم.»

از این جهت برای من این متن جالب توجه هست که هم در تصویب قانون هم در زمان پیدایش قانون و هم زمانی که قانون جریان داره و برقراره که نظمی رو برقرار بکنه، ما باید این جنگ رو ببینیم و به این که به چه شکل کسانی که فاتحان نبرد بودند، قانون رو نوشتند و وقتی این قانون نوشته شد، همین به ظاهر صلحی که برقرار شده بود چطور در پس و پشتش دارد بین طرفین تعارض دست برتر رو به گروهی می‌دهد و گروه‌های دیگری موقعیت فرودستی پیدا می‌کنند. من تمایل دارم که چنین نگاهی به قانون داشته باشم و حالا باز ما وقتی قوانین آب خودمون رو نگاه می‌کنیم میشه دنبال کرد که این جنگ‌ها نبردهایی که داریم می‌گوییم در مورد چی صحبت می‌کنیم. قانون آب و نحوه ملی شدن مربوط به زمانی هست که دولت خودش فاتح شده و قرار شده که دولت بیاد کنترل داشته باشد بر شکل‌هایی از روابطی که قبلاً به صورت محلی و به صورت غیر دولتی تا حدودی داشته دنبال می‌شده است. حالا دولت هست که قراره بیاد با دنبال کردن اهداف توسعه‌ای و نظم جدید تسلط پیدا کند. طبق قواعدی که تعیین میکنه حالا حق مشخص بشود، شیوه‌ی بهره‌برداری از آب مشخص بشود و مواردی از این قبیل

بعد از انقلاب در سال ۵۸ و ۵۹ که قانون توزیع عادلانه آب مطرح می‌شد، باز با یک جنگ جدید و فاتحان جدید طرف هستیم. وقتی که ادعا می‌شود که آب زیرزمینی مخصوصاً توسط بزرگ مالکان گذشته و مالکان گذشته و نزدیکان به شاه داشته صرفاً منافعش به اون‌ها می‌رسیده و عموم جامعه تا حدود زیادی ازش بی

بهره بودند و حالا قرار است که از ماه های قبل از انقلاب تا یکی دو سال بعد از انقلاب افراد مختلف بتوانند چاه بزنند و دسترسی به آب پیدا بکنند. حالا برخی از نمایندگان مجلس یک طرح جدیدی را ارائه می دهند برای اینکه بیایم این چاه های حفر شده را به رسمیت بشناسیم و مجوز بدیم و اینا بتوانند در راستای همان توزیعات عادلانه، ازش بهره برداری کنند. مرحله اول طرح توزیع عادلانه آب اینجا مطرح می شود که باز سال ۶۱ تا حدودی این نیروها تغییر پیدا می کنند و آن قدرت تکنوکراتیک در وزارت نیرو تا حدودی می تواند خودش رو تحمیل بکند به آن ادعای خام عدالت جویانه انقلابی برای اینکه بگه همه داستان آن چیزی نیست که شما می گید و بازهم به شکلی طرح اولیه تعدیل می شود و خلاصه میشه دید این طرفین نبرد، این تعارضات و اینکه قانون دست برتر به گروهی می دهد و در همان زمان گروه های دیگر در حال تضعیف شدن هستند را می توان مشاهده کرد. در هر صورت قانون دارای محدودیت هایی است که هر چقدر هم حاصل جریانی دموکراتیک باشد، در مقطعی از زمان عده ای پیروزان نبرد وجود دارند و عده ای گروه های ضعیف که در کنار هم در شکل دهی قانون نقش اساسی را ایفا میکنند. فوکو در این مورد می گوید افراد پیروز پس از تصویب قانون در این موارد ادعا می کنند که قانون باید براساس خرد جمعی و نظم طبیعی برقرار باشد تا راه را به ما نشان دهد، اما در پشت پرده یک شکلی از سلطه دارد ادامه می یابد و قانون تقویت کننده آن است.

اعتقاد بنده به این شکل است که در مسائل حقوقی هیچ نسخه پیشینی که بتواند برای همه زمان ها و مکان ها حقوق را تعیین و تکلیف کند وجود ندارد و این تلاش برای دادن جواب واحد برای مسائل مختلف منجر به عدم شفاف سازی پیچیدگی ها و ناکارآمدی قانون می شود. نگاه جامعه شناسان به حقوق، متفاوت از نگاه حقوقدانان است؛ از دیدگاه جامعه شناسان، حقوق یک نهاد اجتماعی است و این نهاد اجتماعی از طرف انسان ها آموخته می شود و آنها چگونگی قاعده گذاری، نحوه اجرای آن در سطح وسیع جامعه، نحوه همکاری، نحوه برخورد با افراد خاطی را یاد می گیرند. حقوق اجتماعی را با قاعده گذاری و تبعیت افراد کنترل می کنند. حقوق قاعده ای است که هم دولت و هم جامعه در زندگی روزمره آن را به کار می گیرند. موردی که برای ما مهم است این است که، حقوق چطور جامعه را کنترل می کند و طبیعاً این قواعد می توانند به مرور زمان کم اهمیت تر یا پر اهمیت تر شوند. در نگاه انسان شناسی به حقوق گیتز روانشناس معروف آمریکایی می گوید: کار انسان شناس،

بسط گفتمان انسانی است و به جای آن که شیوه‌ای از زیست، قواعد یا نهادها را به عنوان اخلاقی‌ترین، طبیعی‌ترین و پایدارترین شیوه بپذیریم، انسان‌شناس به دنبال آن است که به این موضوع که گروه‌های دیگر

دولت یک سری قواعدی تنظیم می‌کند که برای برقراری قانون و عدالت است. ما اگر در این تعریف دولت را برداریم، به نظر می‌رسد که خیلی چیزی را از تعریف حقوق از دست نداده‌ایم و به این طریق حالا می‌توانیم ببینیم که شکل‌های دیگری از حقوق هم وجود دارند که می‌توانند همان کارکردها را در جامعه داشته باشند.

چطور زیست می‌کنند برسد و از شیوه قواعد و نهادهای آنها آگاه شوند. حالا زمانی غربی‌ها جوامع اصطلاحاً بدوی را مطالعه می‌کردند که این سنت انسان‌شناسی از آنجا شروع می‌شود. ولی به مرور این

دیگری‌ها، می‌تواند دیگری علم باشد که حالا دیگریش می‌شود: عقاید عامه، باورهای عامه یا دیگری قانونی باشد که همین شیوه‌هایی از قواعد اجتماعی که غیر از حالا آن چیزی که قوانین مدرن دارد حرفش را می‌زند، در جامعه وجود دارد و این شرایطی که انسان‌شناس به جای این که صرفاً روی قانون تاکید کند، می‌آید دیگری‌های قانون را مطالعه می‌کند و مهم تر از آن می‌بیند که شکل‌های دیگر حقوق چه در محتوا و چه در زیست جهانی شکل می‌گیرند و زیست می‌کنند. معمولاً یکی از تعاریف برای حقوق، در واقع همان حقوقی که حقوقدانان استفاده می‌کنند، این است که دولت یک سری قواعدی تنظیم می‌کند که برای برقراری قانون و عدالت است. ما اگر در این تعریف دولت را برداریم، به نظر می‌رسد که خیلی چیزی را از تعریف حقوق از دست نداده‌ایم و به این طریق حالا می‌توانیم ببینیم که شکل‌های دیگری از حقوق هم وجود دارند که می‌توانند همان کارکردها را در جامعه داشته باشند و به همان مواردی که مدنظر قانون دولتی بودند، بتوانند در واقع در همان راستا خدمت کنند. با همین نگاه انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی ما به تکثرگرایی حقوقی می‌رسیم. توی تکثرگرایی حقوقی انواعی از نظام‌های حقوقی را می‌بینیم که قرار نیست یکی بر دیگری برتری داشته باشد، یا اصالت رو بخواهیم به شکل خاصی که حالا معمولاً قانون باشد، بدهیم؛ این موارد با یکدیگر همراه هستند، با یکدیگر همزیستی می‌کنند، ممکن است هم دیگر را حمایت کنند، با هم دیگر رقابت داشته باشند، ممکن است یکی دیگری را نادیده بگیرد، تضعیف کند .. ولی خلاصه این شکل‌های مختلف حقوقی قواعد مختلف

حقوقی دارند در کنار همدیگر بدون این که در یک نظم سلسله مراتبی باشند، زیست می‌کنند. آب هم شاید کمی فراتر از منابع طبیعی و محیط زیست باشد. می‌توان تکثرگرایی را شاید بهتر از هر حوزه‌ی دیگری مشاهده کرد. در اینجا آب به عنوان یک ماده‌ای که پر از عدم قطعیت پر از تغییر و تحول و در عین حال حیات و ممت جامعه و محیط زیست به آن گره خورده دائما درگیر این موضوع است که، چطور قرار است بهره‌برداری شود و در این مورد نظام‌های باقی که در اطراف آن شکل می‌گیرند تا شیوه‌ی بهره‌برداری رو تعیین کنند و بنابراین می‌بینیم که خیلی خیلی زیاد ما در هر کانتکسی که قرار می‌گیریم این قواعد مختلف شکل می‌گیرند و به شیوه‌ی بهره‌برداری از آب شکل می‌دهند و کنترل اتفاق می‌افتد و حالا دولت‌ها هم یک بازیگری هستند که خود قانون را به عنوان یک شکل حقوقی تنظیم می‌کنند. ولی در کنار قانون دولتی تجربه‌ی عملی و حضور در میدان نشان می‌دهد که مجموعه‌ی خیلی متنوعی از موارد دیگر هستند که دارند به کار برده می‌شوند و اهمیت قابل توجهی دارند. باز در هر موردی ما می‌بینیم که به قول تعارض‌های مختلف ادعاهای مختلفی وجود دارند که هر کدام از این ادعاها را وقتی وارد گفت و گو می‌شویم می‌بینیم که در آن محتوا و در آن زیست جهان می‌تواند کاملا مستدل و منطقی باشد و بایک نظام منطقی به این نتیجه رسیده باشد. بنابراین این که یک شکل مثلا بهره‌برداری از آب را منطقی بدانیم و دیگری را غیر منطقی خیلی درست نیست. همزمان این منطقی هستند و در عین این که حالا با شکل‌های دیگری از دیدن می‌توانند مورد نقد هم قرار بگیرند. اگر در این جهان خیلی متکثر حقوقی ما بخواهیم به شکل بالا به پایین به یک شیوه و قاعده و یک تعیین تکلیف تعارض بخواهیم دست بالا به آن بدهیم و تحت قانون یا هر چیز دیگری روی این مورد تایید بگذاریم و بقیه رو غیر قانونی و نادرست بدونیم، در واقع داریم در این تعارض که گروه‌های مختلفش هر کدام به شکلی مستدل و منطقی هستند، بخشی را در نظر و بخشی را نادیده می‌گیریم. تکثر حقوقی را در روستاهای شهری در محدوده جنوب شهر تهران و در روستاهای پرجمعیت (فیروزآباد، قلعه نو و طالب آباد) بررسی کردیم. شهری سابقه خیلی مهمی در گذشته داشته است و نظام آبیاری آن هم حائز اهمیت است. به طور کلی کشاورزی و آبیاری هم در این شهر پرجمعیت از گذشته وجود داشته و خیلی از این نهادها، سنت‌ها و قواعد بهره‌برداری از آب، سابقه آن به چند صد سال پیش برمی‌گردد. کتاب مونوگرافی طالب آباد کتاب بسیار خوبی در مورد بهره

برداری آب در دهه های مختلف است. در این کتاب آقای صفی نژاد در مورد قنات داشتن روستاها توضیح داده اند. در مورد نظام کشاورزی و شیوه بهره‌برداری از آب در روستای طالب آباد توضیح داده‌اند و اینکه چگونه منابع آب سطحی از سطح رود به مقدار کم استفاده شده است.

در حدود ۶۰ الی ۷۰ سال گذشته تاکنون اتفاقات مهمی برای منابع آب شهری افتاده است و دلیل این اتفاق گسترش شهر تهران و تعارض این شهر با منابع آب شهری است. یکی از موارد، سیل اتفاق افتاده در سال ۱۳۴۱ است که بیشتر ما این سیل را با عکس‌های جهان پهلوان تختی و کمک ایشان به مردم به یاد داریم که در امتداد رودخانه کن است. این رودخانه به دو شاخه تقسیم شده است. یک شاخه آن به فشافویه و به سمت جنوب می‌رفته و یک شاخه آن از فیروزآباد به سمت محدوده مورد نظر حرکت می‌کرده و آن را آبیاری می‌کرده است. منشاء سیل رودخانه کن، نهر فیروزآباد بوده است که در محدوده جوادیه خسارت زیادی را وارد کرده است. راه‌حل شهرداری در آن زمان برای جلوگیری از وقوع این اتفاق، مسدود کردن نهر فیروزآباد در راستای عدم حرکت رود کن به سمت روستاها بوده که شهرک اکباتان هم در آن محدوده ساخته می‌شود. همین امر منجر به از بین رفتن رود در آن ناحیه می‌شود. مورد دیگر، کانالیزه کرده جریان‌های سطحی است که در طرحی که برای ساماندهی رواناب‌های سطحی شهر تهران استفاده می‌شود، مجموع رواناب‌های سطحی که شامل رود دره‌های شهر تهران بوده است و برای آن که مدرن شود، اقدام به کانالیزه شدن می‌کنند و به سمت نهر فیروزآباد و قوام‌الدوله (که به سرخ حصار تغییر اسم پیدا می‌کند) و رود کن هدایت می‌شود و این باعث می‌شود که منابع آب قابل توجهی در هنگام این سیلاب‌ها به سمت این نهرها بیاید. اتفاق مهمی که می‌افتد این است که نهر قوام‌الدوله که محله دولاب و سیفی‌جات آن را آبرسانی می‌کند، تبدیل به یک رود بزرگ می‌شود. این رود زمین‌های کشاورزی را می‌شوید و برای خود بستری را ایجاد می‌کند و تقریباً ۱۰۰ هکتار از زمین‌ها به بستر رودخانه تبدیل و زمین کشاورزی شسته می‌شود و به بستر رود تبدیل می‌شود. نکته مهم دیگر این است که قنات‌هایی که مادرچاهش در جنوب تهران بوده، با توسعه شهر، این قنات‌ها در معرض هجوم شهر قرار می‌گیرد و امکان لای روبی آن از بین می‌رود و فاضلاب شهری وارد آن می‌شود. این فاضلاب همچنین وارد فیروزآباد و سرخ حصار هم می‌شود. مثلاً، در مورد قنات زمان آباد، شهرداری برای آبیاری پارکی در جنوب

تهران در ۱۰ متری مادرچاه، چاهی ایجاد می‌کند که همین موجب خالی شدن قنات شد. نمونه‌های دیگری از تخلیه قنات‌ها می‌توان به بزرگراه آزادگان و یا تاسیس مترو خط ۷ در فیروزآباد که شهرداری برای انجام این پروژه، آب را به سمت قنات صالح آباد متمایل کرد، اشاره داشت که همین امر موجب خشکی قنات شد. مجموعه این عوامل سبب شد که قنات و آب‌های زیرزمینی دیگر منبع اصلی برای تامین آب روستاها نباشد و جریان آبی که از سرخ حصار و فیروزآباد وارد می‌شد جریان اصلی تامین آب این روستاها باشد.

مورد دیگر اینکه با ورود فاضلاب شهرک‌های بزرگ و هدایت شدن آن به این دو رودخانه سبب می‌شود این دو رود شدیداً آلوده شوند، که همین امر موجب نابودی صنعت کشاورزی در حدود ۱۰ سال پیش و عدم تولید محصولات کشاورزی شد. در اینجا شاهد یک تعارض بین گسترش شهر تهران و شهروندان آن با نابود شدن این روستاها می‌باشد. در انتها، یک

حقابه یا سهم آب یک مفهوم بسیار کهن در زیست روستایی است.

درب آهنی بر روی قنات فیروزآباد

به منظور تاسیس مترو قرار داده می‌شود و این قنات تبدیل به یک میراث فرهنگی و تاریخی برای شهروندان و گردشگران می‌شود. موضوع حقوق آب در مهدهای پژوهش در حوزه این تعارض‌ها، در ۶۰ سال گذشته در حول ۶ محور شکل گرفته است. در گزارش به تفسیر این ۶ محور و عملکرد دولت در این حوزه و چگونگی تنظیم قواعد توسط حقوق و ادعاهای مختلفی در مورد مدیریت آب و حقابه می‌پردازد. حقابه یا سهم آب یک مفهوم بسیار کهن در زیست روستایی است؛ حقابه در هر موضوعی معنی خاص خود را دارد. از زمان سال ۴۷ با تصویب قانون آب و نحوه ملی شدن، قانون بسیار محدود و گنگ بر اساس اسناد مالکیت و اسناد حقوقی از حقابه در شهرستان تعریف می‌شود. از آن زمان تا کنون بر اساس این تعریف حقابه امکان عملیاتی و اجرا شدن وجود نداشته است و در بین پژوهشگران، محققان و دولتمردان همیشه یک تعارف در مورد تعریف حقابه وجود داشته است و همچنان در پیش‌نویس حقوق، این موضوع تعریف شده است. ولی برعکس، در روستاها مختلف شیوه‌های متفاوتی از حقابه و حق داشتن وجود دارد. شاید بتوانیم اجازه بهره‌برداری را از حقابه خیلی متفاوت ندانیم ولی اگر که تعریف قانون توضیح عادلانه آبی را از حق آبه بپذیریم باز قانون بهره‌برداری می‌تواند متمایز باشد. در همین مورد می‌بینیم که قوانین چطور دارند تعیین و تکلیف می‌کنند و در عمل چه اتفاقی می‌افتد

که نمونه آن شهر ری است که بحث فاضلاب، عدم بهره برداری آب و غیرمتمعارف بودن آن، بحث بهداشتی بودن مصرف کشاورزی وزارت بهداشت و مکان های دیگر نقش پیدا می کنند تا این آب مصرف نشود. ولی، بهره بردار کشاورزی منطقه براساس اینکه ما منبع دیگری داشتیم که خود همین دولت و شهر این منبع را کور و منحرف کرده است و مجبور به مصرف همان آب هستیم. قانون استفاده از آب آلوده را ممنوع و آلوده کردن آن را منع کرده است ولی در عوض میبینیم که دولت منابع آب مصرفی شهروندان را آلوده کرده است. در مورد آب بها هم چالش هایی وجود دارد. چه حالا توی این کیس وقتی می پذیریم که اینا از رودخانه کن حقا به داشتند، آب بها دیگه خیلی مخصوصا که الان هم این منابع آب تنظیم شده است، اصطلاحاً توسط سد نیست آب بها معنا ندارد و چون که حقا به دارند، منبع سطحی جایگزین باید ارائه شود. ولی وقتی برداشت از نهر فیروزآباد را منع کردند و آب فیروزآباد رفت توی تصفیه خونه قرار داده شد و از منابع پس آب تصحیح شده در تصفیه خانه فاضلاب جنوب تهران آب به آنها داده شود ولی این آب اول این که بسیار محدود و دوما در ازای آب بهای زیادی بهشون داده می شود، به این دلیل که مشتری این پساب فضای سبز یا صناعی که پول زیادی میدهند و آن بیزینس تصفیه خونه برایش جذاب نیست.

حریم بستر رودخانه باز یک اتفاق مضحکی در این محدوده است. همانطور که گفتم اصلا رودخانه سرخ حصاری وجود نداشت و تا همان پایین دولاب میرفت ولی از زمانی که این حجم وسیع آب وارد این مسیر شد زمین های کشاورزی صنعت دار مردم را شست و الان تبدیل به رودخانه شده است. در سال های گذشته وزارت نیرو برای این بستر رودخانه ها سند ثبت کرد و علاوه بر آن مدعی شد که حالا ۲۰ متر یا ۵۰ متر حریم این رودخانه ها هست و این ها هم باید رفع تصرف شود، برای اینکه حالا به خاطر این که خطر سیلاب وجود داره و یک قانونی وجود دارد که می گوید حریم وسط رودخانه های کشور اینجور تعیین می شود و بعضا برای حریم های این رودها سند گرفته شده که حالا اصطلاحاً رفع تصرف شود. بحث خسارت تاسیسات و منابع آبی هم باز جای خود که طبق توضیحات باید اتفاق بیفتد، ولی اتفاق نیفتاده است. سازمان متولی آب هم در مورد این مسائل مختلفی که در اینجا وجود دارد از شبکه ی اصلی وزارت نیرو و شبکه فرعی جهاد کشاورزی، مسائل کیفی آب مواردی از آن به شهرداری و مواردی به وزارت بهداشت مربوط است. هر کدام از این چیزها مشخص شده

است، ولی عمدتاً می‌بینیم که آن جاهایی که مقیاس خیلی کوچک است، مسأله‌اش برای روستاییان است. عملاً سازمانی در این مورد متولی نیست ولی نهادهای غیر رسمی یا NGO داخل این منطق شکل می‌گیرند،

اصلاً رودخانه سرخ حصاری وجود نداشت و تا همان پایین دولا ب میرفت ولی از زمانی که این حجم وسیع آب وارد این مسیر شد زمین‌های کشاورزی صنعت دار مردم را شست و الان تبدیل به رودخانه شده است. در سال‌های گذشته وزارت نیرو برای این بستر رودخانه‌ها سند ثبت کرد و علاوه بر آن مدعی شد که حالا ۲۰ متر یا ۵۰ متر حریم این رودخانه‌ها هست و این‌ها هم باید رفع تصرف شود، برای اینکه حالا به خاطر این که خطر سیلاب وجود داره و یک قانونی وجود دارد که می‌گوید حریم وسط رودخانه‌های کشور این‌جور تعیین می‌شود و بعضاً برای حریم‌های این رودها سند گرفته شده که حالا اصطلاحاً رفع تصرف شود.

واسه این که حقوق خودشان را مطالبه کنند. ۳ تا مسئله به نظر من به وجود میاد یکی بحث در مورد قانونی که به نظر من ادعا می‌کرد که مسائل رو پایان می‌دهد؛ یکی بحث قانون و عدالت است که در اینجا سوالی که حالا همانطور که فوکو بهش اشاره می‌کند این است که قانون برای چه عدالتی؟ عدالت چیه؟ عدالت از نظر کی؟ از چه دیدگاهی؟ طبیعتاً شهروندی که می‌خواهد آن صیفی‌جات را مصرف کند حق دارد که سالم باشد ولی در عین حال کشاورزی که منبع آبی هم داشته است که الان منبع از او گرفته شده است، او هم حق دارد. بنابراین عدالت همچنان جواب ساده‌ای برایش وجود ندارد و نکته‌ای که هست این است که هم متن قانون و هم شیوه‌ی اجرایی شدنش یا اجرایی نشدنش یا تفسیر شدنش داریم می‌بینیم که دولت را در برابر جامعه ارجح می‌داند؛ شهر در برابر روستا ارجح دانسته می‌شود سرمایه‌داری در برابر بهره‌بردار خرد، روستایی خرد و بهره‌برداری معیشتی که حالا یک حرف از تجارتی بزرگ نیست، باز ارجحیت پیدا می‌کند. در مورد قانون و نظم، سوالی که پیش میاد این است که باز چه نظمی؟ نظمی که قرار است که یک سری از افراد فرودست زیرش خرد بشوند؟ واقعاً این خیلی ارزش دارد و باز حتی در مورد همین موضوعات می‌بینیم که قانون برای

نظم خیلی هم اجرا نمی‌شود. اتفاقاً خیلی وقت‌ها همین قانونی که پذیرفتنی نیست در مسکوت گذاشتن مثلاً همین سرخ حصار که قانون می‌گوید که قابل بهره‌برداری نیست تلاش می‌کند. هر چند وقت یک بار می‌آیند بند کشاورزا رو خراب می‌کنند، ولی در عمل تلاش می‌شود تا وقتی که سر و صدایی نشده است، قانون هم اجرا نشود و ناکارآمدی هم به قانون در بسترهای مختلف و اندیس‌های مختلف بعضاً قابل ترجمه کردن و قابل استفاده کردن نیست. مسائل آب جزئیات بسیار زیادی پیدا می‌کند که باز قانون نمی‌تواند به جزئیات مختلف آن بپردازد و پویایی‌هایی که در طی زمان به وجود می‌آید. با توجه به این که ۲ الی ۳ سالی هم از اجرای پژوهش می‌گذرد، بعضاً این ارائه‌ای که من میدهم، تفسیر یکی از اون گزارش‌ها است و خود اصل گزارش نمی‌باشد. حالا در موضوعاتی، شاید نظرم هم تغییراتی کرده باشد، شاید نقدی الان وارد باشد و آن اینکه، من خیلی به مقاومت جامعه در برابر قانون نپرداختم. یعنی انگار جامعه یک کنشگر منفعلی هست که قانون می‌آید به آن تحمیل می‌شود. حداقل این بخش را شاید در گزارش بیشتر بهش بها دادیم. ولی در واقع اینجور نیست. جامعه هم به شکل‌هایی در برابر قانون مقاومت می‌کند. خیلی وقت‌ها می‌تواند قانون را به نفع خودش تفسیر کند. حتی مثلاً در مورد کشاورزان اصفهانی جلوی تصویب قانون جدید رو بگیرند یا در اجرا شدن یا نشدنش نقش داشته باشند. به نظر بنده، به دو شکل این اتفاق می‌افتد. یک وقت‌هایی این خود چارچوب قانون و این گفتمان نخبگی و این حوزه‌ی نخبگی را این کشاورزان پذیرفتند و وارد همان شدند برای اینکه بخواهند حرف خودشان را پیش ببرند. مثلاً وکیل استخدام کردند و اون وکیل توانسته در ادبیات حقوقی در مقابل یک بازیگر بزرگی مثل شهرداری تهران از آنها دفاع کند. در مورد بحث‌های کیفی آب، خیلی برای من جالب بود. زمانی که توی این میدان حضور داشتم، دانشجوی ترم اول مهندس منابع آب بودم و برای اولین بار اصطلاح BOD و COD شنیدم. اصلاً مفهوم آن را نمی‌دانستم تا اینکه کشاورزها برای من توضیح دادند که ما این منبع آب را مثلاً از سرخ حصار آزمایشگاه بردیم. این آزمایشش دارد نشان می‌دهد که فلزات سنگی وجود ندارد، چی ندارد و چی دارد.. و اینکه مشکل این آب BOD و COD آن است. تو به من بگو که BOD و COD چه مشکلی برای کشاورزی دارد؟ این آب همراه با نیترات و فسفات برای پرورش ماهی و کشاورزی مشکل دارد. باز خود محصول برنجی که در فیروزآباد کاشته می‌شد را مقایسه کرده بودند. آن را آزمایشگاه خصوصی بردند و نشان

دادند فلزات سنگینی که در آن وجود دارد و بازهم مقایسه کردند با هند و پاکستان و براساس استانداردهای جهانی نشان دادند که خیلی از این‌ها وضعیتش بهتر است. بنابراین، اینجا جایی است که کشاورزان وارد میدان نخبگی می‌شوند و با همان ادبیات از حقوق خودشان دفاع می‌کنند؛ شکل دیگری هم هست و آن این است که نه قانون اجرا بشه و نه سرپیچی بشود. تفاسیر خودشان را از حقوق ارائه بدهند و پنهان کاری کنند. این اجرا نکردن قانون و مقاومت در برابر قانون را تبدیل به عرف کنند و وقتی تبدیل به عرف شد، دیگه به راحتی نمی‌شود دولت بیاید جلوییش را بگیرد. بنابراین، به این جمله میرسم که تنها کسانی که حقوق را وضع می‌کنند و تفسیرش می‌کنند، بسته به موقعیت، اجراش می‌کنند بهش تن می‌دهند یا از اجراش سرباز می‌زنند و این دولتی‌ها نیستند. به نظر من دولتی‌ها این ویژگی‌ها را دارند، ولی در عین حال می‌بینیم که کنشگران غیردولتی که تصور می‌کردیم فرو دست هستند .. آنها هم ممکن است که چنین شیوه‌هایی را داشته باشند.

■ عباسقلی جهانی:

اگر مطالبی که در این پژوهش مطرح شده است بخواهیم در چند جمله بیان کنیم، این پژوهش عنوان می‌کند که حقوق آب تنها آن هم از طریق دستگاه‌های دولتی برای حکمرانی خوب در آب کافی نیست و در کنار آن در واقع به نوعی می‌خواهد موضوع از بالا به پایین را یا به عبارتی مدیریت از بالا به پایین را زیر سوال ببرد. در کنار آن مطرح می‌شود که برای مواجهه با این اشکال بزرگ، بهتر هست که به هنجارها، سنت‌ها، عرف و قواعد مورد قبول در جوامع محلی و همینطور نقش ریش‌سفیدان و مانند اینها توجه شود و در واقع از تلفیق این ۲ تا موضوع هست که ما می‌توانیم به یک حکمرانی پایدار در امر آب برسیم. این که البته دیدگاه درستی است ولی، چگونگی به اصطلاح تحقق این بستر همانطور که در خود این مطالعات هم عنوان شده کار چندان آسانی نیست. ضمن اینکه من می‌خواهم بگویم که اصولاً حقوق آب، یعنی فرایند تکاملی و پارادایم‌های حاکم به حقوق آب، در سطح جهانی هم تکامل زیادی پیدا نکرده است. من نگاه می‌کردم مثلاً در مورد تعریف سواد، یونسکو در طول ۱۰۰ سال اخیر ۴ تا تعریف مشخصی به حسب تحولاتی که اتفاق افتاده عنوان می‌کند. مثلاً

در ابتدا می‌گوید فقط خواندن و نوشتن را می‌توان با سواد معرفی کرد. در حالی که آخرین دیدگاهی که الان وجود دارد و تألیف یونسکو از سواد هم هست، فرد بایستی بتواند تحولات و تغییراتی را در خود و جامعه خود با اتکاء به سواد و دانش خود ایجاد کند. ببیند که چه تحولات عظیمی در مورد مسئله سواد وجود دارد. در مورد آب هم همین طور است؛ در مورد آب اگر ما به گذشته برگردیم، بیشتر قواعد بر اساس مدیریت محلی آب بوده است و وقتی تراژدی منابع مشترک ظهور پیدا می‌کند دولت‌ها فوری این مسئله را می‌قاپند و وارد ماجرا می‌شوند. حقوق آب هم در فرایند تکاملی خودش بیشتر از دست دولت‌ها قرار می‌گیرد. همانطور که در گزارش‌ها قرارداد شده است، درحالی که در کنار این مسئله موضوعاتی مثل امنیت آبی یا حق بشر، حالا سازمان ملل به عنوان دسترسی به آب سالم و بهداشتی به اصطلاح فاضلاب، به عنوان حق بشر شناخته می‌شود. آخرین دیدگاهی که درباره این فرایند تکاملی مطرح شده است و به نوعی به موضوع این پژوهش برمی‌گردد این است که در یکی - دو ماه اخیر انجمن بین‌المللی آب یک دوره‌ای را تحت عنوان (Managing of all water for all by all) توسعه داده که به معنای مدیریت منابع آب برای همه توسط همه است. منتهی بحث این است که این تحولات در بستر حقوقی دولت‌ها چطور اتفاق می‌افتد؟ به نظر بنده همچنین تحولاتی اتفاق نیفتاده است و راه‌حلی که در این پژوهش عنوان می‌شود می‌گوید که: رویکرد به داشتن دادگاه‌های تخصصی و وکلای عالم به مسائل چند بعدی آب در گذر تکثرگرایی یک ضرورت است. یا مثلاً، در صفحه آخر این گزارش سخنی با جامعه حقوقدانان و چند تا سوال را مطرح می‌کند که این سوالات به جا هستند، ولی صحبت این است که آیا نقطه شروع ما برای این تکثرگرایی صرفاً با سخنی با جامعه حقوقدانان کافی است. به اعتقاد بنده اشکالی که در این پژوهش وجود دارد این است که راهکار عملیاتی مناسبی برای تحقق این بستر تکثرگرایی ارائه نمی‌دهد. دوستان پژوهشگر بهتر بود به این سوال پاسخ می‌دادند که تکثرگرایی در کدام یک از کشورهای دنیا وجود دارد و مصادیق آن چیست و نمونه‌ای از آن را در این گزارش می‌آوردند، به این خاطر که این می‌تواند خیلی مفید باشد و به عنوان مرجعی مفید می‌توانست راهنمای ما در کنار دستگاه دولتی و نگاه بالا به پایین، مسئله رسمیت شناختن این سنت‌ها و رسوم و دیدگاه‌های محلی و کار ریش‌سفیدان و این‌ها به رسمیت شناخته شده است و این انسجام انجام شده است. ای کاش مثلاً در این موضوعی که

صحبت می‌کنند، سخنی با جامعه حقوقدانان خیلی خب حالا این سخن شما انجام بگیرد درست است ولی کافی نیست. ما از کجا باید شروع کنیم؟ یعنی از پایه‌های دیگر این کار کجا باید باشد؟ به نظر می‌رسد که در کنار این کار، ما نیازمند یک گفتگوی ملی هستیم و این که در مدیریت آب قدرت بلامنازع در همه ابعاد وجود دارد و آن هم قبول کند به اینکه این نقیصه در حقوق آب وجود دارد در مسائل مدیریت حکمرانی آب وجود دارد و حالا مثلاً فرض کنید که این جامعه حقوقدان بنشینند و به یک راه‌حلی هم برسند؛ کی هست و کدام تقاضا هست که بتواند نتایج این مطالعات رو یا نتایج این سخنان رو تبدیل کند در صحنه عمل و اجرا و ترجمان آن را در مسئله حکمرانی آب بتوانیم ببینیم؟

بنابراین به نظر می‌رسد که ضمن این که نقطه شروعی هست، ولی نیازمند این هست که این پروژه و شکل‌های این که خدمتون عرض کردم با ارزیابی نقاط ضعف تقویت شود و ما یک راهکار جامع‌تر و عملیات‌تری را برای اینکه به این مسئله ورود پیدا کنیم. یه مقدار هم باید در نوشتار مسئله به موضوع ساده نوشتن و قابل فهم کردن آن برای جامعه تلاش شود و مجموعه این عناصر، ما را به اینجا می‌رساند که ما براین مسائل متمرکز شویم و کار کنیم و این گام اول برای ورود به مسئله‌ای است که بسیار مهم و حیاتی است .

■ حسین زمانی:

ابتدا دوستان خودشان به این موضوع خیلی مهم پرداختند که تعریف حقوق به معنای Law و حق‌ها به معنای Right است. هر چند این ۲ تا رو اصلاً به یک نام به کار می‌بریم، بعضی همین حقوق آب رو که شما ترجمه کردید، خیلی‌ها حقابه ترجمه می‌کنند؛ ولیکن خب دوستان هم احتمالاً مطالعه کردند، این موضوع رو به تفکیک بیان کردند ولی در ادامه دچار همین آشفتگی متن شده‌اند. این که بعضی وقتا در واقع در دام آشفتگی مطلب افتادند. بعضی جاها این تکررگرای‌های حقوق آب رو به معنای تکررگرایی در نظام‌های بهره‌برداری آب دانستند. نظام‌های بهره‌برداری که شامل Right و تکالیف هست و بعضی جاها به خدمت شما به مثابه حق آب یعنی حق مصرف آب پرداختند که آنجا صرفاً در واقع حق مطرح شده است و به تکالیف کمتر پرداخته

شده است؛ این آشفتگی بعضی جاها بوده است و این موضوعی بود که در این کتاب برای من خیلی مشهود بود. چند تا موضوع را خیلی خوب مطرح کردند که من به آنها بپردازم. یکی اینکه دولتی‌ها می‌گویند که ما خلاء قانونی داریم و دوم اینها که بهره بردار هستند یا مردم جامعه، می‌گویند که ما قوانین خوبی داریم ولی اجرا نمی‌شود. این یک سوالی است که من همیشه به صورت ملموس این را در گفتارها در جلسات و در صحبت‌هایی که با بخش خصوصی و مردم داشتیم، همیشه باهاش مواجه بودیم. حالا فارغ از این که به چه نتیجه‌ای دوستان رسیدند و قرار هم نیست به تصور من این کتاب به من راهکار بدهد. قرار است صرفاً یک جرعه باشد، جرعه‌ای باشد برای من برای اینکه که به دنبال راه‌های جدید باشم و من انتظاراتی از این طرح و کتاب ندارم به من راه کار بدهد. به عنوان کسی که خب در بخش حقوقی آب کشورم، معتقد هستم ما اصلاً دنبال قانون جامع نباید باشیم. هیچ چیز جامعی نمی‌تواند وجود داشته باشد. به این هم معتقدم که کتاب قرار نیست راهکار به من بدهد، حداقل به من نشون بدهد که دنبال راهکار باشم و می‌توانم راهکار داشته باشم، همین کفایت می‌کند. به چند تا موضوع مختلف اشاره کردم از چند تا منظر درباره‌ی حقوق آب و حالا آن تکثرگرایی صحبت کردیم و حالا آن نقد اولیه رو کنار بگذاریم که نوعی جامعیت، مشروعیت، عدالت و نظم است. این دو تا اصطلاحات را دوتا دو تا در مقابل هم قرار دادند یا با هم دیگر مقایسه کردند که آیا این چیزی که ما به عنوان قانون داریم، جامعیت دارد یا مشروعیت دارد؟ اینجا در دام سوم افتاده است کتاب، که حقوق آب را معادل با قانون آب گرفته است. یعنی شما در این موضوع، یعنی وقتی از جامعیت دارید صحبت می‌کنید، عملاً شاید در باب قانون صحبت کردید و دنبال قانون هستید، چون وقتی گفتید آیا این جامعیت دارد یعنی دنبال قانون هستید، یا مشروعیت دارد دنبال قانون هستید. بحث عدالت و نظم را شاید متقابلاً روبروی هم قرار دادید و سوال‌هایی مطرح کردید. گزاره‌هایی مطرح کردید و با آنها نتیجه‌گیری‌های خاصی داشتید. ببینید واقعیت بحث این است که این روش را من به عنوان کسانی که حقوق دادن نبودن را بنده پسندیدم؛

ما موضوعی داریم در کشورمان نه بحران آب و کمبود آب و نه کم آبی و نه هیچ چیزی نیست؛ ما یک مسئله داریم که همان مسئله ی آب است و همه چیز رو شامل می شود حقوق مختلفی دارد از حقوق به معنای قوانین

ما موضوعی داریم در کشورمان نه بحران آب و کمبود آب و نه کم آبی و نه هیچ چیزی نیست؛ ما یک مسئله داریم که همان مسئله ی آب است و همه چیز رو شامل می شود حقوق مختلفی دارد از حقوق به معنای قوانین از شرع از عرف از تاریخ از اقتصاد از فرهنگ از اجتماع از اقتصاد از همه چی منشاء داریم.

از شرع از عرف از تاریخ از اقتصاد از فرهنگ از اجتماع از اقتصاد از همه چی منشاء داریم. یک موضوعی داریم به عنوان مسئله ی آب است. پس ما باید اگر دنبال حل این مسئله هستیم از کتاب این

را درک میکنم که چند تا موضوع رو باید در کنار هم بگذاریم و بهش پردازیم اولین مورد جامعه شناسی است و با کمی اغماض بگید جامعه شناسی حقوقی؛ که دوستان بیشتر دنبال این بودند. یک موضوعی هست که شاید در کتاب پرداخته نشده است، بحث انسان شناسی حقوقی است و در ادامه یک بار دیگر عبارتی به کار ببرم تاریخ شناسی حقوقی بهش بگیم که این دو تا موضوع شاید مغفول بوده و در کتاب بیشتر متمایل شدن به سمت جامعه شناسی حقوقی. همینجور که بحث کردن تکثرگرایی حقوقی دنبال بست گفتمان انسانی است. پس اینجا باید به انسان شناسی حقوق می پرداختیم، شاید کمتر کمرنگ هست؛ ببینید واقعیت این چیزی که کتاب دیده است شاید از منظر در واقع تئوری، خیلی خوب باشد ولی به یک موضوع خیلی مهم نپرداخته است. اینکه تکثرگرایی حقوقی یعنی چی؟ یعنی این که من پیام در هر منطقه به دنبال نظام های بهره برداری باشم که قدیم بوده است؟ خب چرا من تکنولوژی و نظام ها و روش های بهره برداری جدید را در این قضیه ندیدم؟ آیا نظام های بهره برداری سابق که شما حالا به عنوان تکثر حقوقی می بینید، آیا اصلاً توان کنترل کردن این موضوع را دارد یا نه؛ که من پیام به قانون مدنی به عرف به نظام های بهره برداری وارد شوم؟ آیا اصلاً می تواند در چنین روزهایی کاربرد داشته باشد؟ آیا اصلاً تاریخ انقضاءش نیومده؟ آیا با پیشرفت هایی که هست می تواند بر آنها سوار بشود نظام های بهره برداری یا خیر؟ که به نظر می رسد اینجا هم کتاب دنبال این بوده است که مهر تایید، بدون اینکه تغییرات را در نظر بگیرن، بر اینها بگذارد. یعنی تغییرات تکنولوژی، تغییرات

در روش‌های بهره‌برداری، تغییرات در نیازها و تغییرات در پیشرفت‌ها .. اینجا شاید کمی مغفول بوده است. شاید دوستان بهش نپرداختند که با تکثرگرایی حقوقی چطور می‌شود اینها را با همدیگه در واقع انطباق داد؟ موضوع دیگری است که در قسمت دوم پژوهش وقتی که سر مطالعه موردی بحث کردید، بحث این بوده که در عامه فرض کنید پس‌آب‌ها رو تو دیدم حق‌آبه‌ها رو به آب زیرزمینی هم ربط دادیم. خب تلقی عامه رو آمدید با قانون مقایسه کردید، گفته که در قانون حق‌آبه را صرفاً با آب‌های سطحی می‌داند و آب زیرزمین را نمی‌داند، ولی خب مردم چنین اصطلاحی دارند.

ببینید این نکته رو در نظر بگیریم اسمش را بگذاریم تکثرگرایی حقوقی یک موقع خیلی حاد اینجا ایجاد می‌شود، اینکه قانونی که وجود دارد حالا از سال ۴۷ به بعد که منسجم‌تر شد با قانون آب و نحوه ی ملی شدن که شما اسمی ازش به میان آوردید و بعد توزیع عادلانه ی آب را داریم، در واقع کم یا زیاد حقوق، به معنای حق‌ها، Right و تکالیف را دربر می‌گیرد ولی آن چیزی که در عامه وجود دارد تکالیف نیست، بیشتر حق‌ها است. یعنی عامه دنبال تکلیف برای خودش نیست، صرفاً دنبال حق می‌گردد. کشاورز می‌گوید من قناتم خشک شد، آمده است چاه به جای قنات به من بدهید. آب زاینده رود کم آمد، از جای دیگری به من آب بدهید. در حقوق عامه که شما در این جا وارد محتوا این موضوع در کشورمان شدید، باید قبول کنیم آن چیزی که در عامه جامعه وجود دارد بیشتر بر حق است و نه حقوق؛ بر حق‌ها تاکید می‌کند و تکالیف را کمتر تاکید می‌کند.

یک موضوع دیگه‌ای هم که خب بیان کردید به نظر من یک مقدار شاید این اسلاید آخر رادیکال بود که گفتید متن قانون به نفع دولت در برابر جامعه، شهر در برابر روستا و سرمایه‌داری در برابر .. چیزی ذکر نکرده بودید. یک مقدار دچار رادیکالیسم شدید. بنظر من در اینجا اگر قانون را هم در نظر می‌گیریم، در واقع قانون منشا می‌گیرد. یعنی اینکه بگوییم صرفاً دولت منشاء قانون است، یک مقدار با تندی به آن نگاه می‌کنیم. البته از مردم هم چه کم و چه زیاد منشا می‌گیرد و البته موضوع دیگری که وجود دارد و ذهنم را درگیر این مطالعه کرد، این است که آیا این کتاب می‌خواست به این موضوع بپردازد؟ این موارد را شما تاکید کردی و بنده تا حد مهندس جهانی که به دنبال راهکار بودند، نیستم. سوال من این است که چطور می‌توانم این تکثرگرایی

را اعمال کنم و حداقل در مورد نحوه ی اعمال، پیشنهادی داده شود که آیا من پیام منطقه بندی کنم؟ چیکار کنم؟ نکته دیگر اینکه ما یکی از بدترین آفت‌هایی که در حقوق داریم و در حقوق آب هم مبتلاست، این است

که ما در کشورمان چیزی به نام دکترین نداریم، یا چیزی از قانون هست یا برمی‌گردیم به رویه قضایی یا در مناطقی حاد مثل اصفهان به عرف هم برمی‌گردیم. بیشتر علمای حقوق ما یا کتاب تست نوشتند یا

یکی از بدترین آفت‌هایی که در حقوق داریم و در حقوق آب هم مبتلاست، این است که ما در کشورمان چیزی به نام دکترین نداریم، یا چیزی از قانون هست یا برمی‌گردیم به رویه قضایی یا در مناطقی حاد مثل اصفهان به عرف هم برمی‌گردیم. ما دکترین نداریم، کسی که نظریه پردازی کند و حقوق آب آن را تعریف کند.

کتاب آزمون نوشتند یا شرح و بسط مواد قانونی، .. ما دکترین نداریم، کسی که نظریه پردازی کند و حقوق آب آن را تعریف کند. این یکی از ضعف‌هایی است که به این شکل بر این نگاه شما تاثیر و بر آن تغییر بگذارد و شاید بتواند راه‌ها و روش‌های جدیدی را برای دیگران فراهم کند.

■ مهدی فصیحی هرندی :

من با این سوال شروع می‌کنم که آیا چنین پژوهشی لازم بوده است و یا خیر؟ به نظر من محتوای بخشی از آن در مورد جامعه‌شناسی موضوعات است و بخش حقوقی هم که صلاحیت ندارم. این روندی که مطرح می‌کنم جواب سوال از آن در می‌آید؛ همچنین پژوهشی به نظر من لازم بوده است به این دلیل که ما عملاً هیچ مبنای نظری برای این که حکمرانی یک عمل اجتماعی است، همزیستی قانون و اینکه ما فتوای عام در حوزه های آبریز نمی‌توانیم صادر کنیم و هر موردی مشخصات خود را دارد و شاید خیلی برای این به آن صورت کار منسجمی انجام نشده است. بنابراین، این مبنای نظری طرح شده و خیلی مهم است و برای یک Case study مهم طرح شده است، باز خیلی مهم است و با این دیدگاه که ما بیایم از یک همزیستی قانون و ارزش های جامعه است. بنابراین می‌شود گفت این پژوهش یک رایحه ای از آن بحث‌هایی که ما می‌گیریم سلسله مراتب،

حکمرانی شکست خورده .. است. در سال ۲۰۱۱ آقای فرانسوا مول در اجلاسی گفته بود که حقوق آب را با زور و فیات نمی‌توانید کنترل بکنید. خلاصه مطلب این است که به هر حال از این مطلب بحث شد. به هر حال همانطور که آقای طالبی بیان کردند که ما در هر صورت هر قانونی یک سوگیری دارد و انواع سوگیری ما در روانشناسی داریم و این یک نوع سوگیری در قانون بوده است. این به نظر من یک واقعیتی است که حالا اگر ما بخواهیم یک حکمرانی عاقلانه‌ای پیاده کنیم، بیشتر از جنبه سیاسی باید با آن کنار بیاییم. پس ما مبنای نظری را شروع کردیم و یک تکانی به این ناکارآمدی حکومتی و سلسله مراتبی یا حداقل اینکه در همه جا این نباید وارد بشود با دیدگاه حقوقی و قانون وارد کردیم؛ بنابراین به نظر من این یک مبنای خوبی بود که آن بحث‌های تخصیص و اینجور موارد را یک تکانی به آن بدهد؛ تخصیص در آن حرف و حدیث زیاد است و ما به کدام سمت باید حرکت بکنیم؟ حالا موردی که به نظر من شاید آقای زمانی هم فرمودند در آن مقداری انسجام دیده نمیشود، این است که ما در آخر تکثرگرایی را اصلاً به عنوان یک قاعده در نظام حکمرانی آب وارد کنیم یا نه؟ این مطالعه به نظر من با یک Case study قابل انجام است. البته بعضی جاها سوال است که شما با یک Case study نمی‌توانید جواب همه سوالات را بدهید. ما در اینجا تنوع‌گرایی را که مبنای پیشرفت جامعه است را در آن قطعاً تکثرگرایی می‌تواند به ارتقای حکومت کمک کند.

سوال این است که چگونه این تکثرگرایی، در چه مقیاسی و تا چه سطحی وارد شود. این یک سوال بنیادین است که بهتر است به آن پرداخته شود. در اینجا کتاب بیشتر به سمت جنبه‌های نظری آن پرداخته است که این موضوع مخاطبان خاص خود را دارد. در اینجا نکته مهم این است که مشتری کتاب شما چه کسی بوده است؟ بنده فکر میکنم تلویحی به آن اشاراتی شد. یک وقت بنده فکر می‌کنم که این کتاب را برای مبانی نظری نوشته‌اند و این کتاب خیلی خوب اطلاعاتی بیش از حد را به من در این مورد می‌دهد. ولی اگر با یک دیدگاه برنامه‌ریزانه به آن نگاه کنیم برای مثال از دیدگاه یک مهندس به آن بپردازیم چه خوب یا چه بد باشد. در آخر به این موضوع می‌رسیم که این برای اصلاح مدیریت و مسئله آب چه سر نخ می‌دهد؟ شاید در بحث‌های بعدی بتوانیم با آقای طالبی درباره این موضوع کار کنیم که اگر مشتری من در نظام حکمرانی آب بخشی به نام وزارت نیرو است، من چطور می‌توانم به این، این فهم را بدهم که قانون توضیح عادلانه آب

با لایحه آب یا X یا Y نوعی فتوای عام در همه کشور نیست. چطور می‌توانم بقبولانم که قاعده گذاری در حوزه مدیریت نمی‌تواند به کل کشور مربوط شود. شما یک جا باید مقیاس را حوزه آبریز و جا دیگر حوزه سیاسی و جای دیگر حوزه عرفی در نظر بگیریم و آنها را با هم منطبق کرد. این هم جنبه دیگری بود که می‌توانست به آن توجه شود و شاید آقای طالبی به عمد خلاصه ارائه ایشان با خلاصه کتاب متفاوت بود. و شاید ۲۰٪ از ارائه با خلاصه کتاب همپوشانی دارد.

از نظر من کتاب هم مباحث نظری دیگه‌ای دارد و شاید هم ایرادی در آن نیست و تفاسیری در آن وارد شده است. نکته دیگری که من به نظرم می‌آید این بحث ارزش‌هاست. ببینید تمام مسائل آب ما در حوزه کشور برمی‌گردد به عدم درک ارزش‌هایی در مقیاس و سطحی که حکمرانی برای آن اعمال می‌شود. وقتی ما می‌آییم یک قانون صلب غیرمنعطفی را گذاشتیم، آمدیم ارزش‌های دولت یا نظام در آن دوره هم در ۱۳۴۷ و هم در ۱۳۶۱ گذاشتیم، ولی در جوامعی که عرف، بیشتر حقوق آب را مدیریت می‌کرده است، ارزش‌های محلی حاکم بوده است. چیزی که در این مناقشات و دعوای قانون با عرف می‌بینیم، قانون با حقابه عرفی می‌بینیم این است که این نظام ارزششون متفاوت است و هیچ تضاد دیگه‌ای ندارند و دلیلی که هیچ اصلاحی در آن اتفاق نمی‌افتد این است که این ارزش‌ها هیچ وقت نمی‌آیند با هم بشینند صحبت بکنند و به یک ارزش متعادلی برسند. این به نظر من بحثی که این کتاب جا داشت در موردش صحبت شود؛ چون ما یک نظام ارزشی داریم از فضیلت‌ها شروع می‌شود و بعد زیرش Value قرار می‌گیرد و بعد Norm‌ها است و بعد استانداردها است. ما متأسفانه همیشه گفت نظام حکمرانی‌مون و قواعد و حالا گاورننس رژیم ما که شامل قوانین و .. همیشه و اینا مبتنی بر استانداردهاش می‌شود. یعنی همان حقوقی هم که ما در موردش حرف می‌زنیم، متأسفانه حالا من نمی‌دانم کلمه درست هست یا نه، مثل استاندارد مهندسی شده است. این ساختمان با پایین‌ترین رده ارزشی در سلسله مراتب طراحی استاندارد است. استانداردهاش ثابت است، ولی حکمرانی دارد اشاره می‌کند باید مبتنی بر فضیلت‌ها بشود و فضیلت که هیچ وقت تغییر نمی‌کنند. دروغ سوء فضیلت جهان شمول است از ازل تا ابد بسیار بد است. ارزش‌ها هم ممکن است تغییر بکنند. الان بحث حکمرانی آب در دنیا می‌گوید آقا تو باید حکمرانیت طراحی حساس به ارزش باشه یا به نوعی Value sensitive design باشد.

حالا ما چگونه این تجانس قانون و حالا شما ترجمه کردید به تکثرگرایی، را بیاییم وارد بکنیم؟ جا داشت که این نظام ارزشی هم شاید در اینجا وارد بشود و بحث‌های مدرنیسم و این قبیل هم که در کتاب به آن اشاراتی کردید. به نظر من باز اینجا خیلی مهم هست همانطور که آقای زمانی هم بحث کردند، به هر حال ما الان حکمرانی ما ابزاری است یعنی عقلانیتی که بر حکمرانی ما حاکم است، عقلانیت ابزاری است و اصلا کسی چیز بدی نمیداند. ولی شما قطعاً تو تفکرات به چیزی که ارائه دادی عقلانیت ابزاری را یک ردیلت دانستید.

■ حسن محسنی:

آقای طالبی رفتند و ابتدا به پرسش‌های خودشان که پیش آمده بود پاسخ دادند. در تفاوت معنی واژگانی که وجود دارد پرداختند و خوب حالا نزدیک هم شدند. مطالبی که در مورد فرق بین حقوق و نظام حقوقی که حالا مجموعه قوانین و مقررات گفتند نزدیک بوده است با اون چیزی که در عالم حقوق پژوهشگران به آن می‌پردازند. منتهی این نکته رو من از شما خواهم می‌کنم که حتماً کتاب فلسفه حقوق نوشته استاد روان شاد دکتر کاتوزیان را حتماً ببینید. درباره مفهوم حقوق، مفهوم قانون، منابع حقوق و در واقع منابع تفسیری قانون و منابع تکمیل کننده قانون و سلسله مراتب هنجاری که در حقوق وجود دارد، خیلی می‌تواند کمک کند به شما که تحلیل دقیق‌تری از موضوع داشته باشید. باز از همین جا نگاه فلاسفه سیاسی معمولاً به حقوق همین نگاهی است که شما دارید. نگاه خارج از چارچوب مثل فوکو یا دیگران و یا مثل چند نفر دیگه هم که حالا در سیاست یا جامعه‌شناسی صاحب نظر هستند و به نظرشون استناد کردید، همین‌ها همین برداشت را از حقوق دارند. حقوق را یک نظم مزاحم می‌بینند و اگر برداشتی مطابق با برداشت خودشان از عدالت مدنظر قانونگذار نباشد، فرقی نمی‌کند ویکتور هوگو هم می‌تواند چنین نظری داشته باشد، با قوانین مختلف مخالفت بکند و فلاسفه جدید هم می‌توانند همین دیدگاه را داشته باشند، آنها کارشان همین است.

اما اینکه آیا واقعاً حقوق آن انتقاداتی که به آن می‌شود یا قانون از نظر آنها انتقاداتی بهش وارد هست یا نه آن را باید یک ارزیابی دقیق داشته باشیم. من با شما هم داستانم اگر کار به بحث قانون بکشد. آن وقت بحث دیگه از خواست طرفین نزاع خارج می‌شود. یعنی بحث در سیستم حقوقی تفسیر می‌شود. در نظام حقوقی قواعد مربوط به موضوع اعمال می‌شوند و بعد قوه قاهره باید بیاید این رأی و تصمیم را اجرا کنند. من با شما هم داستانم و این ویژگی در تکثرگرایی که شما مطرح کردید نیست، انعطاف بیشتری هست، اما این به این معنا لزوماً نیست که این نظام پیشا قانونی یا بدون قانون ارجحیت دارد به نظام قانونی. این از لحاظ مبنایی شاید شما ببینید، به طور کلی من عرض بکنم خدمت شما، نه فقط در حوزه آب در هر حوزه‌ای که قوانین دهه ۳۰، ۴۰ یا ۵۰ در راستای ملی شدن گام برداشتند، ذینفعان اعتراض دارند. اصلاً فرقی نمی‌کند شما

بروید همین است،
همین است و محیط
همین است و معادن
است و چه میدونم
است و به قولی آب
بنابراین هرگاه ما

**ما در حوزه حقوق آب و خصوصی سازی آب شکست
خورده‌ایم. ما نمی‌توانیم دنبال خصوصی سازی‌ها باشیم. اگر
شما در پژوهش‌تان تکثرگرایی را به معنای خصوصی سازی
دنبال می‌کنید .. بدانید این در همه جا (مانند بولیوی و هند)
شکست خورده، یعنی جنگ ایجاد کرده است.**

جنگل‌ها یا مراتع
حیات وحش برویم
زیست هم بریم
هم برید همین
شکار برید همین
هم همین است.

می‌آیم یک دارایی را از حقوق خصوصی می‌گیریم یا وارد حقوق عمومی می‌کنیم، یعنی می‌آیم این را برای همه می‌کنیم کسانی که خصوصی را با توجه به اینکه حقوق خصوصی منافع خصوصیشون را تامین می‌کند، دچار اختلال می‌شوند، اعتراض دارند... از جمله همین کشاورزان که شما بررسی کردید. اما این به این معنا نیست که قانون اشکال دارد و نباید باشد. ما در حوزه حقوق آب و خصوصی سازی آب شکست خورده‌ایم. ما نمی‌توانیم دنبال خصوصی سازی‌ها باشیم. اگر شما در پژوهش‌تان تکثرگرایی را به معنای خصوصی سازی دنبال می‌کنید .. بدانید این در همه جا (مانند بولیوی و هند) شکست خورده، یعنی جنگ ایجاد کرده است. اصلاً ما دنبال دموکراسی آب هستیم. خب دموکراسی آب بدون قانون اصلاً جزو محالات است که دموکراسی آب محقق بشود. مثل هر چیز دیگری بدون قانون امکان تحقق دموکراتیک آن وجود ندارد و مثل هر چیز

دیگری موجب استبداد و هرج و مرج می‌شود. کار شما کار خیلی خوبی است، اما از این جهات می‌تواند مورد بحث باشد. اوج علاقه در کار شما دیده می‌شود و معمولاً ما در کارهای پژوهشی باید یک علاقه خاصی ببینیم. شخصی به طبیعت رفته است و آن علاقه او را جلب کرده است.

اما کارتان منهای آن مبحث حقوقی که مناقشه برانگیز است، در چند جا باید تقویت شود. اول حوزه کار شما مشخص نیست. اشکالش در این است که ممکن است که یک هنجارهایی مادون قانون مثل عرف و مثل رویه و قرارداد و مثل پیشینه های تاریخی در حقوق آب داشته باشیم، اما آیا این مورد را در حقوق آب شهری داریم؟ تکثرگرایی را اگر در حقوق شهری اجرا بکنیم، یعنی اینکه هرکس هر چقدر آب خواست مصرف بکند و حبابه هم نگیرد و مجوز هم به عنوان بهره‌بردار نگیرد. دعوا هم داشت برود با گلدان سر همسایه را هم بشکند، چون قانونی نداریم و دادگاه هم نرود و هر که غلبه کرد بهره برداری کند. اصلاً ما همچین چیزی داریم؟ امکانش نیست. پس ابتدا شما باید بگید که موضوع شما کشاورزی و توزیع عادلانه ی آب در حوزه کشاورزی است. دیگه آبهای دیگر صنعتی، شهری و روستایی برای مثال استفاده بشود. ما در حقوق آب به معنای تعریف مجموعه قوانین، رویه ها و سازمان حقوقی در حوزه آب هستیم. **Water right** به معنی حق‌های آب است و نباید به معنای حقوق ترجمه بشود. چون حقوق معانی متفاوتی دارد. معنی که در دانش حقوق به آن استناد می‌شود، همان علم حقوق است. علم حقوق هم یک منابعی دارد، مثل همه علوم، یک روشی داره مثل همه علوم یک روش تفسیر دارد مثل همه علوم یک شیوه اجرا دارد.. من می‌خواهم بگویم خدمت شما که ما در حقوق آب دنبال این حقوق آب هستیم. اما در کتاب شما می‌توانست عنوانش اصلاً تکثرگرایی در قانون آب نباشد، یعنی تکثرگرایی در آب، دقت می‌فرمایید؟ چون اینجا دیگه بحث حقوق آب نیست. حقوق همانطور که شما فرمودید یک ساختار مشخصی دارد، منطق مشخصی دارد و بر اساس آن ساختار، حل و فصل اختلافات می‌کند.

تکثرگرایی در آب پیشا قانونی است. یعنی میاد میگه که من می‌دونم یک نظام قانونی وجود دارد و این نظام

قانونی، این قید و بندها رو دارد و

این طور دست و پا من را می‌بندد،

پس منم مخالفشم. مثل هر

ملی‌سازی دیگه ای، در قانون سال

واقعاً تکثرگرایی وجود دارد. یعنی اتفاقاً در این حوزه وجود دارد.

یعنی قانون گذار هم با آن مسئله ای ندارد. این که قانونگذار نمی‌آید

اینها را منسوخ اعلام نمی‌کند.

۴۷ اتفاقاً همین ماده ۱ و ۲ مبنای در واقع قانون اساسی بوده است. یعنی تصور نفرمایید که نویسنده قانون

اساسی از این قانون سال ۴۷ فاصله گرفته است. عین همان را در قانون اساسی آورده است. اینجا از کلمه «..»

ثروت ملی محسوب و متعلق به عموم است..» استفاده کرده است و آنجا همین را گفته است. یعنی برای همه

است. بنابراین تصور نفرمایید که قانونگذار مجبور بوده است؛ منتها شما می‌توانستید بگید که قانونگذار جز این

نمی‌توانست و چون جز این نمی‌توانست بگوید، باید تکثرگرایی را رعایت کند. حالا باید وقتی می‌خواهد قاعده

گذاری در حوزه حقوق آب کند، فقط نگاه قانونی نداشته باشد، بلکه در حوزه توزیع عادلانه آب و مدیریت آب

و اینها به عرفها هم توجه کند. البته من تا جایی که اطلاع دارم آقای اسکندری، واقعاً تکثرگرایی وجود دارد.

یعنی اتفاقاً در این حوزه وجود دارد. یعنی قانون گذار هم با آن مسئله ای ندارد. این که قانونگذار نمی‌آید اینها

را منسوخ اعلام نمی‌کند. ببینید ما کی میریم سراغ قانون؟ کی میرن سراغ قانون؟ وقتی که یک اختلاف

لاینحل پیش می‌آید. خود آن میرآب‌ها، خود آن شوراهای روستاها و شوراهای کشاورزی ما از حل قضیه عاجز

باشند، اونوقت میریم سراغ قانون و قانون نمی‌تواند غیر از این چیزی را بگوید. قانون نوعی قانونگذاری می‌کند

برای این مورد خاص قانونگذاری نمی‌کند. قانونگذار به طور نوعی میاد میگه که چنانچه چنین شد حکمش

چنان است و عین همین باید تو همه جا اجرا بشود. خب ما اینجا تفسیر قانون داریم. آگاه هستی که ما با

وجود این که نظام قانون گذاری به هر حال ۱۰۰ ساله داریم و قوانین در حوزه آب کم نداریم، من اینجا

یادداشت کردم ما قوانین بسیار زیادی داریم، در خود آن هم علتش بحران کشور ما در حوزه خشکسالی است.

ما نمی‌توانیم همه اینها را به روش های پیشا قانونی حل و فصل اختلافات واگذار کنیم. اساساً حل و فصل

نمی‌شود. مثل مثالی که در شهر برای دسترسی به آب زدیم. عین همان در روستا هم اتفاق می‌افتد. پس، باید

یک جمع‌بندی کنیم. تکثرگرایی را به معنای شناسایی نهادهای توزیع مدیریت و حل و فصل اختلافات آب بی‌گمان باید بپذیریم. نهادهای مردمی مثل همین که الان شما نشان دادید که آب داشتند می‌بردند یک جایی و یک اراضی را آبیاری کنند اما اگر معترض داشته باشد، آن روش‌های روستایی می‌توانند حل بکنند یا نمی‌توانند حل بکنند. اگر نتوانستند حل کنند، اینجا نمی‌توانیم بگوییم که این سیستم ارجحیت دارد به سیستم قانون، بلکه ما در اینجا نیاز به یک حوزه قانونی در حوزه آب داریم. اما حالا اینکه این نظام قانونی یک نظام روزانه‌ای است؟ بنده با شما هم داستانشم. باید این به روز شود و قوانین ما در این حوزه باید بازنگری شود. هرچند بنده اعتقاد دارم که یک قانون نباید به طور کامل اصلاح شود، بلکه بهتر است قانونگذار موادی از قانون را که ایجاد اشکال کرده را به تدریج اصلاح کند تا نظم قبلی با نظم جدید یکباره فرو نریزد. اما به هر صورت از این جهت با جنابعالی مخالف هستم که نظام پیشا قانونی یا نظامی که در کنار نظام قانونی هست نظام کارآمدتری هست. این نکاتی را که عرض کردم جنبه بهبود کار شما را داشت. به هر حال چیزی از ارزش‌های کار کم نمی‌شود. نکته آخر اینکه حوزه اینکار مشخص نیست. اینکه آب کجاست؟ آب یک روستا است یا آب یک منطقه آبی هست یا آب یک کشور است یا آب سرزمین‌های آبی است یا آب کجا هست؟ این هم باید مشخص شود. مثلاً می‌خواهیم درباره‌ی یک رودخانه صحبت بکنیم و اینکه آب رودخانه چطور باید توزیع عادلانه‌ای داشته باشد؟

■ اکبر براری:

من هم مثل همه دوستان و نویسندگان در این قضیه هم دل هستم که هر جا دولت از ابزار قانون و بی‌پروا استفاده کرده است هیچ خیر و برکتی ایجاد نشده است. همه ما در همه عرصه‌ها مثل آب و هوا که وضعیت خوبی ندارند، معتقدیم مگر اقتصاد وضعیت بهتری دارد؟ مگر کالاهای تولیدی وضعیت بهتری دارد؟ نه اصلاً اینطور نیست و ما هم قبول داریم. اما آیا این به معنای آن است که اساساً نظام حقوقی و خصوصاً قانون از پایه نباید باشد؟ این بحثی است که ما باید در موردش صحبت کنیم. چرا من این مورد را می‌گم، چون دو تن از

عزیزانی که حقوقی بودند این بحث را مطرح کردند و به نظر من بدیهی بود و مورد دیگری درباره آن فکر نمی‌کردم. بله این کتاب در واقع از منظر حقوقی ایراد بزرگی دارد. ایراد بزرگ یعنی ایراد مهیب دارد و این را نمی‌شود به راحتی از آن گذشت. بله، کلمه حقوق و اصطلاحاً حقوق آب به اشتباه در این کتاب تعریف شده است. به نظر می‌آید در اینجا منظور از حقوق آب همان Law هست که شما دوستان به آن اشاره کردید و بعد دوباره چند خط پایین‌تر درباره Water right نوشته است. این اشتباه چرا شکل گرفته است؟ اولاً این اشتباه در حقوقی‌ها هم مرسوم است و اینکه شما اشتباه کردید، این چیز عجیبی نیست. این متأسفانه به خاطر این کلمه است. این کلمه حقوق ما را مسئله‌دار می‌کند. حقوق به عنوان مجموعه قواعد لازم‌الاجرا است و من در اینجا می‌خواهم به اسلایدهای اول شما برگردم. فقط بعد از وجود دولت مدرن به معنی دولتی که می‌تواند ضمانت اجرا داشته باشد معنی پیدا می‌کند. اصلاً حقوق بدون دولت بی‌معناست. اسمش دیگر حقوق نیست. مجموعه‌ای از قواعد است. بله ما در خانواده‌مون مجموعه‌ای از قواعد داریم. مثلاً من ۱۰ شب به بعد نباید بیرون باشم، یا پایم را نباید جلوی پدرم دراز کنم، همه اینا قواعد است اما اینا حقوق نیست. حقوق آن چیز است که دولت ضمانت اجرای آن را تضمین می‌کند. پس بدانید که این حقوق نیست و اگر در اینجا دارید دولت را حذف می‌کنید بدانید که در واقع حقوق را نفی می‌کنید. اسمش دیگر حقوق نیست. برویم سراغ مسائل دیگر صحبت کنیم.

وقتی شما دارید می‌گید Water right که در اصل باید Right می‌شد، حق آب. کدام حق آب؟ حقی که من برای بهره‌مندی از آب به عنوان یک انسان دارم. من مصرف کننده یا حقی که به عنوان مالک آب دارم؟ شما در رابطه با کدام حق دارید صحبت می‌کنید؟ یک نوع از حق، حق مطالبه می‌شود. من یک مطالبه‌ای در مورد این حق دارم که دولت باید به عنوان متعهد این حق وظیفه‌اش را در قبال من انجام دهد و این یکی از حق‌های بشری است. اگر حق من به معنی مالکیت است، پس مالکیت در قبال قدرت می‌شود. من مالکم و قدرت دارم و باید اعمال مالکیت کنم. اصلاً قضیه بحثش از نظر حقوقی کاملاً جداست. من حق می‌دهم که شما به عنوان کسی که در رشته‌ی حقوق نیستید وارد این جزئیات نشوید، اما متن ایراد پیدا می‌کند. یعنی در تمام این متن اگر متن را به صورت Word داشته باشید و اگر آن را جستجو کنید، می‌بینید که اصطلاح

حقوق آب چند بار استفاده شده است و من تک تک مواردش را واقعاً بدون اغراق می‌گم باید برمی‌گشتم ببینم اینجا منظورش از حقوق آب چیست؟ دارد درباره موضوع قواعد یا حق‌ها صحبت می‌کند. آخر این بحران بوجود آمد.

یکی از ایرادهای دیگری که بنظر من از منظر حقوقی وجود داشت این بود که شما نتوانستید بین منابع حقوق و مبانی حقوق تفاوت قائل شوید. قانون یکی از منابع حقوق است. اما آن چیزهایی که شما به عنوان شرح روابط قبیلگی و روابط محلی و اخلاق و مناسبات قدرت و مناسبات اجتماعی .. می‌گویید، همه اینها مبانی است. یعنی پایه‌ها و ریشه‌هایی که با آن منابع شکل می‌گیرد. یعنی قانون بر مبنای این‌ها شکل می‌گیرد برای مثال سرقت، سرقت به موجب قانون ممنوع است. یعنی قانون منبع ممنوعیت سرقت است. مبنایش چیست؟

مثلاً من اخلاق را می‌گویم، شما امکان دارد بگویید شرع و دوستان امکان دارد ضرورت‌های زندگی اجتماعی را بگویند .. اما اینها باهم متفاوت است. آن مبانی اجتماعی

قانون عیناً آئینه همین جا رجه است. همین کسانی که به قانون وقتی علیه‌شون هست اعتراض دارند، در هر موقعیتی که امکانش هست به همان قانون متوسل می‌شوند. قانون آئینه روابط اجتماعی، قانون آینه روابط قدرت است.

که شما ازش صحبت می‌کنید و مبانی که در روستاها اتفاق می‌افتد، آنها مبانی است که حقوق شکل گرفته است. قانون براساس آن شکل گرفته است. اینکه می‌گویید قانون این گونه و آن گونه است، بله بنده هم قبول دارم که آن این گونه است. اما من اینجا نوشتم اتفاقاً قانون چیه؟ قانون که از آسمان نیامده است. قانون آئینه همین جامعه است. قانون عیناً آئینه همین جامعه است. همین کسانی که به قانون وقتی علیه‌شون هست اعتراض دارند، در هر موقعیتی که امکانش هست به همان قانون متوسل می‌شوند. قانون آئینه روابط اجتماعی، قانون آینه روابط قدرت است. آقای زمانی به جایی صحبت‌هایی که کردند برای من عالی بود. فقط به جا و به موضوعی اختلاف خیلی کوچک داریم. ایشان گفتند که خوب شد که حقوقی‌ها ننوشتند، منم قبول دارم ولی ای کاش همانطوری که شما فرمودید، اسمش را تکثرگرایی در حقوق آب نمی‌گذاشتید. منابعی که شما همان

اول گفتید را عوض کردم. گفتم ای کاش اسمش تکثرگرایی در اداره آب در مدیریت آب می گذاشتید و بعداً شما تکثرگرایی در آب گفتید. این بحث ایرادای حقوقی کلان بود. حالا من به جزئیات وارد نمی شوم.

یکی از مسائلی هم که من دارم مربوط به این قضیه، مربوط به خود بحث تکثرگرایی است. من با این واژه هم مسئله دارم. ما تو حقوق چیزی با این برداشت چیزی به اسم تکثرگرایی نداریم. چرا عدم تمرکز داریم تمرکززدایی داریم، ولی تکثرگرایی به آن معنا که در داخل یک دولت و کشور چند نظام حقوقی به صورت همزمان وجود داشته باشد نه این یه تئوری خیلی ساده است که اصلاً هیچ جای دنیا همچین اتفاقی نمی افتد. شاید در برخی موارد شما اگر منظورتون این است که قم یک شیوه اداره آب داشته باشه، تهران یک مورد و اصفهان هم یک مورد .. خب این شیوه عدم تمرکز نام دارد. هر مکانی حکمرانی محلی برای خودش داشته باشد، قوانین محلی برای خودش تصویب کند.. تکثرگرایی یعنی چی؟ من چند نکته همینجوری پشت سر هم نوشتم که این تکثرگرایی شما جاهای مختلف تعریف کردید، ولی واقعیتش من به عنوان این که بگم خب الان ما یک تعریف از تکثرگرایی حقوقی داریم واقعاً پیدا نکردم راستش هم به شما بگویم این تکثرگرایی برای من که تعریفش را شما برای من گفتید، من اینجا چند تا نوشتم حالا نمی دانم حالا خوبه بگم یا نه؟ مثالی است که در تلویزیون می آیند و الگوی ایرانی- اسلامی را نام می برند. شما در پروژه خود تعاریف خوبی هم گفته اید، مثلاً این گونه بشود، با گفتگو حل بشود، طرفین بشینند حرف بزنند .. همه مواردی که اینجا گفتید همه با آن موافق هستند و اینها اصلاً تعریف نیست. تعریفی که بشود بر مبنای آن قانون گذاشت و بر مبنای آن حکمرانی کرد. یکی از نکاتی که من اینجا کامل نوشتم و خیلی جالب بود که آقای جهانی هم عین همان را نوشتند. مثلاً در خط آخر یکی از آن پاراگراف ها گفتید، مثلاً در این دیدگاه در این رویکرد وجود دادگاههای تخصصی و وکلای آگاه عالم و نمیدانم حضور آب در این رویکرد ضروریست. یعنی شما می گوید که مثلاً در بقیه رویکردها وجود دادگاههای تخصصی ضروری نیست؟ اصلاً این تکثرگرایی شما چیست که فقط در این رویکرد که داده های تخصصی رو ضروری می کند یا وجود وکلای متخصص رو ضروری می کند؟

من از صفحه ۱۴۲ تا صفحه ۱۴۵ که تعریف شماسست از تکثرگرایی دائماً همین مسائل مختلف رو حالا دیگه دونه دونه نمی‌گویم. طرفین گفتگو کنند راه حل جدیدی ایجاد کنیم. دقیقاً مثل اون بحث‌ها میشه که میگه آقا شما بالاخره اقتصادت مثلاً دولتی یا آزاد است؟ و می‌گوید نه ما یک چیزی بین اینا هستیم. از مزایای اقتصاد دولتی و از مزایای اقتصاد آزاد .. عین اون مطالب شما تو تکثرگرایی گفتید. همین است اصلاً چند جا هم گفتید اون عرفا و روابط محلی که ما ازش داریم دفاع می‌کنیم، خیلی وقت‌ها به بحران رسیده است. در همین کتاب نوشته شده است. یعنی آخر سر من به عنوان فردی حقوقی که خیلی دنبال جزئیات می‌گردم، راجع به اینکه دقیق باشد، مفاهیم در حقوق خیلی باید دقیق باشد، نباید آنقدر کسدار باشد، دائماً دنبال این می‌گشتم که خب بالاخره تو این ۱۵۰، ۱۶۰ صفحه برسم به اینکه خب اگر یک نفر از من پرسید که تکثرگرایی را بیا و برای من یک تعریفی بگو که اینور اونور آن کج نباشد که به نوعی یک تعریف سفت و شاخص و محکم باشد .. من این را واقعاً پیدا نکردم و دوست دارم اگر به نظر شما اینجوری نیست، حتماً بگید. یک چیزی من بگم. فقط بهتون بگم این کسی که مشخصه حقوق نخوانده است. من نمی‌دونستم که شما حقوق نخواندی واقعاً امروز متوجه شدم. یک سری کلمات مثلاً تو متن هست این خیلی مهمه و باید در کتاب باشد. اگر اسم کتابتون حقوقی است، اینا باید باشد. مثلاً ایستایی، پیرومتر، مادر چاه، مظهر، میله قنات، زه‌ها، زه و زه‌دار که اینا اصطلاحات فنی است. مگه این کتاب، کتاب حقوقی نیست من نمیدانم یعنی چی؟ اصلاً معنی آن را نمیدانم. برای همین هم هست که می‌گویم این کتاب ایرادات بزرگ حقوقی دارد من صفحه‌هاش هم حتی نوشتم اگر بخواهید ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۹ است که می‌توانید استفاده کنید. یا مثلاً در صفحه ۱۰۲ یک چیزی هست مثلاً شق‌نهر که من اصلاً نمی‌دانم یعنی چی. این چه متن حقوقی است که منی که ۱۵ سال در حقوقم، حدود ۱۰ الی ۱۲ صفحه از این مطالبی را که گفتید نمی‌فهمیدم یعنی چی؟ یعنی واقعاً خیلی برایم به عنوان یک فرد حقوقی سخت است؛ البته بازم تاکید می‌کنم مثل همه دوستان واقعاً اولین چیزی که من نوشتم این بود که اطلاعات بسیار خوبی داشت یعنی خیلی برام جالب بود اما ایرادات حقوقی را نمی‌شود به این راحتی ازش گذشت .

من برخلاف سایر دوستان از دیدگاه دیگری به این موضوع نگاه کردم. شاید ما در حدود یک صد سال به دنبال وحدت گرایی در حقوق هستیم. از زمانی که قانون را شروع به نوشتن کردیم. شاید دوره‌ای بوده که ما به دنبال تکثر حقوقی ما می‌گشتیم. در زمان و دوران امیرکبیر که از آن زمان تا کنون معضلات زیادی ایجاد شد و همه به دنبال این بودند که قانون داشته باشند و این قانون برای همه به صورت یکسان اجرا شود و به یک شکل باشد و بتواند عدالت را برقرار کند. ولی خب باید این موضوع را در نظر داشته باشیم که ما این پژوهش را با این عنوان نمی‌گیریم که بخواهد بیاید و مشکل آب کشور را حل نماید. چون مشکلات آب کشور ما مثل همه مشکلات دیگر ما فقط مربوط به قانون نیست. قانون خودش هم متحمل بسیاری از تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و این‌ها بوده است و ما به این شکل داریم پیکره آبی خود را می‌بینیم. ولی این پژوهش به نظر من در این بن‌بستی که قرار گرفتیم، یک ایده است و من از این به بعد به آن نگاه کردم که وقتی ما پیکره آبی خود را می‌بینیم که از بعد سیستمی به یک بعدی رسیدیم که نشود کاری کرد و از بعد فرهنگی و اقتصادی وضعیت خوبی نداریم. این پژوهش داشت به ما نشان می‌داد که ما می‌توانیم یک مسیری را باز کنیم که نگاه‌های دیگران هم در این مسیر قرار بگیرند، چون همیشه یک‌تاز دولت بوده است. یکه تازی منافع سیاسی بوده است و یک فتح بابی شود برای ورود یک سری بهره‌برداری که همیشه از تصمیم‌گیری‌ها دور افتاده‌اند. من می‌دانم که خود تکثرگرایی که حالا شما به آن تمرکزگرایی می‌گویید و در قانون هم وجود دارد، یک خلاء بزرگ در این ایده است چون که ما نمی‌توانیم نقش دولت را در آن از بین ببریم. چون ما برای اجرای این ایده خوب و این قانون خوب، نیاز به دولت داریم تا با توجه به قدرتی که دارد، بتواند این موارد را اعمال کند. ولی خب این یک ایده است که باید برود و جاهایی امتحان شود و نمی‌توانیم این حقوقی که ایجاد شده است و این اتفاقاتی که افتاده است را انکارش کنیم. به نظر من، این می‌تواند به ایده خوب باشد و این دیدگاه یک بهره‌بردار است. ایشان یک فتح بابی را انجام دادند و به مسائل و نگاه‌هایی پرداختند که بسیار اهمیت دارد. این را بدانیم که ما از بعد حقوقی و مدنی و فقهی به بسیاری از مسائلی که در زمان فعلی در قاب

مشکلات کشورمان داریم، صحبتی نداریم و هیچ جوابی نداریم. این مسائل باید گفته شود تا حقوقدانان ما و قانون‌نویسان ما به این مسئله نگاه کنند و هر چند که فقه ما پویا نیست، اما به هر حال به دنبال پیدا کردن این جواب‌ها بروند. از لحاظ این که شاید لازم باشد که حقوقدان‌ها برای شناخت حقوق آب و مسائل آب حتما باید مسائل فنی آب را بدانند و بدون شناخت مسائل فنی آب نمی‌توانید قانونی را تنظیم کنید که بتواند به خیلی از مسائل و مشکلات پاسخ دهد. برای مثال من به عنوان نمونه عرض می‌کنم در دوره‌ای بود که اگر شما به قانون مدنی نگاه کنید، صحبت شده است که برای آب همه جا قانون عرف است و در مورد حریم آب و حریم چاه که مقدار آب برای خوردن و زراعت را مشخص می‌کند. خیلی جاها این کارشناسان حقوقی آب که به مسائل حقوقی آشنایی نداشته‌اند می‌گویند که حریمی که اینجا تعیین کرده‌اند به خاطر نحوه مصرف بوده است. شما برای آب شرب چون آب کمتری مصرف می‌کنید، حریمش این قدر است و برای آب کشاورزی چون آب بیشتری مصرف می‌کنید حریمش اینقدر است. در حالی که این یک نکته فنی داشته است، که اگر این آب خوردن داشته با دلو بوده است و حریم سازه‌ای مطرح بوده است و این حریمی که مطرح کرده‌اند، حریم سازه‌ای بوده است. حریمی که برای زراعت نیاز داشته، نیاز به فضای بیشتری داشته است. به خیلی از مسائل حقوقی آب توجه نمی‌شود، که ما در آب ۲ نوع حریم داریم که براساس حریم آبی و حریم سازه است. بنابراین این سخن آقای طالبی این مورد که حقوقدانان ما به مسائل فنی آب ورود کنند یک ضرورت است و مانند همه‌ی کارهای دیگرمان باشد و دوم آن که تشکلهایی داشته باشیم که بتوانند قوی شوند در این زمینه و بتوانند حرفشان را بزنند و بتوانند این نگاه‌ها و این تکررگراهایی را که وجود دارد برای حقوقدان‌های ما و

شاید لازم باشد که حقوقدان‌ها برای شناخت حقوق آب و مسائل آب حتما مسائل فنی آب را بدانند.

برای کارشناسان ما بتوانند باز کنند تا آنها بتوانند این موارد را در قانون تبلور دهند و این خیلی دیدگاه مهمی است.

■ علی صالح کریمی:

دوستان حقوقی در اینجا تمام مسائل را گفتند و من فقط در اینجا یکی دو مسئله را اضافه می‌کنم. ببینید به نظر من این کتاب، یک کتاب حقوقی نیست. این کتاب مثل یک زنگ است که از قسمت اجرا برای بیرون دارد زده می‌شود. اما دم‌دست‌ترین حوزه‌ای که با آن برخورد می‌کند، حوزه حقوق است و آن هم برایش دلیل دارد. حقوق به خاطر اینکه ساختار قانونی دارد و در واقع این سازه‌ها در متن حقوق گنجانده می‌شود، پس اولین حوزه‌ای که با آن برخورد می‌کند حقوق است. حقوق خودش ماحصل روابط قدرت‌ها و روابط جامعه است که به مجلس می‌آید و تبدیل به مصوبه می‌شود و تبدیل به قانون می‌شود و شما باز خورد آن را در اجتماع می‌بینید. یعنی آن چیزی که شما به آن اشاره می‌کنید، به نظر من یک اشکالی وجود دارد و دغدغه‌مندی اصلاً قابل‌انکار نیست. یعنی قطعاً شما یک فرد دغدغه‌مند و حساس هستید و این کتاب از یک درد منشاء می‌گیرد و آن درد خود را به اشکال مختلف بروز می‌دهد. منتهی به نظر من حقوق را نمی‌شناسد و اساساً خود محتوا حقوق را هم نمی‌شناسد. محتوای حقوق در واقع محتوا محدودیت است. معلوم است که حقوق محدودیت ایجاد می‌کند و این ذات حقوق است و قدرت آن در وضع کردن است. یعنی گفتند که اینجا محدودیتی به وجود می‌آید، یعنی اینجا حقوقی وجود دارد. من فکر می‌کنم که دغدغه‌مندی این موضوع انکار ناپذیر است ولی به نظر می‌توان موضوع را تکررگرایی حقوق آب گفت، منتهی چون نزدیک‌ترین حوزه به آن قلمرو حقوقی است، شما مستقیماً به آن اشاره کردید، در حالی که حقوق اصل قضیه نیست. اگر خاطرتون باشد دوستانی که در اندیشکده بودند، گفتیم همین که حقوق نمی‌تواند حل تمام مشکلات حوزه آب باشد. همچنین چیزی امکان پذیر نیست. در بهترین حالت حقوق می‌تواند کلیه شاخه‌ها و در واقع رشته‌ها را در کنار هم در مدیریت هدفمند کمک کند و گرنه حقوق چیزی نیست و اصل قضیه نیست. حقوق یک ابزار در اینجا است. حقوق کارکرد کاملاً ابزارگرایانه در اینجا دارد. من فکر می‌کنم که خیلی قانون شناخته نشد و حقوق در حوزه کتاب شناخته نشد و کتاب برخلاف این که شما می‌فرمایید که می‌دانید آمدید در واقع یک متنی را از درون آن متن حقوق کامل برداشتید و آوردید. گفتید حقوق عرفی را و آن را به حوزه حقوق خودمان مربوط کردید. این واقعیت است. اتفاقاً ما متن‌های اولمان همش از قواعد فرانسه و بلژیک اقتباس شده و کم‌دچار تغییر و تحول

شده است. پس این ۲ موضوع مهم است. فوکو در اینجا به صورت دراماتیک صحبت می‌کند. یعنی جواری نیست که من بتوانم برای این موضوع منبع بدهم به عنوان یک حقیقت آگه با خود فوکو صحبت کنید، باهاس مصاحبه کنیم که تو فیلسوف یا جامعه‌شناسی هستی؟ فوکو اعتراض می‌کند و می‌گوید کدام فوکو را می‌گویی؟ الان من جامعه شناسم و دو دقیقه بعد فیلسوف هستم. این روش، روش رفرنس‌دهی مناسبی برای فوکو نیست. چون اگر من از این زاویه یعنی دعوی قدرت با مقاومت وارد شوم، در نظریه دائماً این قضیه در همه اجزا در جامعه وجود دارد. اصلاً فوکو به این صورت درباره فرودست و تهی دست صحبت نمی‌کند و این اقتباسی از ادبیات نیچه است که به این کتاب پرتاب شده است. این واژه، واژه فوکو نیست.

موضوع آخر این است که شما وقتی وارد پژوهش می‌شوید مبنای نظری خیلی مهم است. شما اسمش را پژوهش می‌گذارید، نظریه شما کدام قسمت از فوکو است؟ شما ایدئولوژیک نگاه می‌کنید یا از چه زاویه دیگری به این موضوع نگاه می‌کنید. اگر نوع محورتان دیدگاه فوکو است، مبنای نظری بسیار مهم است چون در واقع در بحث علوم اجتماعی دارد ورود می‌کند. یک بحث علوم اجتماعی است، به طور ویژه این بحث، بحث علوم اجتماعی است. نمی‌توان درباره همچنین موضوعاتی این موارد را خیلی سریع مطرح کرد و از آن رد شد به خصوص موقعی که می‌خواهید وارد حوزه حقوق شوید. در حقوق دقایق مهم است و جزئیات در حقوق مهم است. البته بنده یک نظر دارم که تکثرگرایی هدف نبوده است؟ احتمالاً در واقع یک جوهرهایی فقدان آن قسمت اجرا بوده است، مبنی بر لزوم عدم تمرکزگرایی در منابع و مدیریت آب است. من این قضیه را بیشتر به این صورت می‌بینم تا اینکه تکثرگرایی حقوق آب ببینم. ضمن اینکه آن انتقاداتی که شما به حقوق آب می‌کنید در همه زمینه‌ها برقرار است. یعنی هیچ انحصاری به موضوع آب ندارد و اگر شما برداشتتون این است که دولت کنشگر نهایی است، اینجور نمی‌باشد. قانون مصوبه کدام نهاد است؟ فرض ما این است که مجلس جایگاه ملت است.

■ مهدی فصیحی هرندی:

من هیچ سابقه ای از این کتاب و این پژوهش نداشتم ولی کسی که به عنوان سیاستگذار حکمرانی آب را تمرین می‌کند من از این کتاب متوجه شدم این است که این کتاب اصلاً یک کتاب حقوقی نیست این کتاب یک مسئله‌ای به نام حقوق آب دیده است که یک سدی در مقابل ارتقای حکمرانی است. من الان آگه بخوام مثلاً ۲۲ سال تجربه‌ی کار تو آب بیان کنم، می‌گم متأسفانه حقوق آب و ما عوض اینکه قوانین آب تسهیلگر بشود، خودش سدی شده است. آب ۱۵ تا جنبه دارد که هرمان دوپینگر، فیلسوف هلندی، ۱۵ تا جنبه می‌دهد و مثلاً حقوق یازدهمی است؛ بنابراین ایشون شاید در مقدمه اگر یک همچین تشریحی ارائه می‌داد، من برداشتم این است نمی‌گویم که ایشان در ذهنشان است، این است که آب ما هزار تا مسأله داره یا ۱۰۰۰ تا جنبه در مسائل دارد که یک جنبه آن جنبه حقوق است. این حقوق حالا یا حالا خانوم حسنی هم یک اشاره‌ای کردند الان به یک حساب دیگه به هر دلیل کار نمی‌کند. ما آمدیم یک روشی را داریم ارائه می‌دهیم که این مسئله را یک مقداری تقلیل بدهد، حالا حل که نمی‌شود. هیچوقت به نظر من داستان اصلاً این نیست که ما بگیم حالا بحث‌های این که تعاریفی چیزی داره یا نه؟ این یه نکته است، نکته بعدم که من می‌خوام عرض بکنم اینه که ما چون داریم تو کانتکس آب صحبت می‌کنیم .. همه چیزش متفاوت است. بنابراین به نظر من تکثرگرایی حالا یا عدم تمرکز در حقوق آب، کما اینکه در دنیا زیاد است. الان در آمریکا که بریم هیچ کدام از ایالت‌ها، هیچ قانون فدرال آب در آمریکا وجود ندارد، محال است. اصلاً دولت فدرال در موضوع آب هیچ کارست. حتی الان که ما از ۲۰۰۰ به این طرف هم تقریباً همه ایالت‌ها به بحران رسیدند، نداریم. کالیفرنیا هم تا ۲۰۰۳ یا ۲۰۰۴ میلادی عمل نداشت. بنابراین ما این که می‌گوییم حکمرانی در مقیاس به همین دلیل است. قوانین حقوقی می‌تواند از یک منطقه به منطقه دیگر متکثر باشد. اتفاقاً همین صلبیت حقوق است که در واقع مانعی شده در برابر مسائل حقوق و با حقوق نمی‌دونم با کانتکس‌های دیگه شاید نیاز به این موارد است. در کالیفرنیا تا سال ۲۰۰۳ هیچ قانونی آب زیرزمینی نداشتیم به دلیل اون سیستم لیبرالی که سرمایه‌داری می‌گه هر کی پمپش قویتر، هرکی زورش بیشتر آب بیشتر تا وقتی که این بحران به وجود

اومده در من نمی‌تواند کمترین حد بماند . بنابراین ما یکی از بحث‌ها مون اتفاقا تو حکمرانی اینه که حقوق و صلبیت آن یعنی تو آب و ظرفش شکل خودش را بگیرد اگه بخوایم خیلی ساده حرف بزنم .

■ سروش طالبی:

تا حدود زیادی این اختلافی که به وجود می‌آید و شاید این نارضایتی که مثلا گفته شده است که اسم این کار حقوق نیست و حالا مثلا شاید در اوجش اون جمله‌ای که آقای براری گفتند که حقوق از زمانی به وجود اومد که دولت مدرن به وجود آمده است و دقیقا این کتاب این پژوهش هدفش این بوده که بگه نخیر اینطور نیست بر پایه اون حرف گفته می‌شود که آره قانون بد بهتر از بی قانونی است با تصور اینکه ما یک بستر یک لوح سفیدی داریم یک زمین لختی داریم که هیچ حقوقی وجود ندارد حالا پس یک قانون بد هم نوشتیم اشکال ندارد یک نکته دیگه اینه که من فکر می‌کنم اتفاقا امروز در کانتکس امروزه در فضای سیاسی اجتماعی ایران شاید راحت‌تر از هر زمان دیگری بشود در واقع تکرر حقوقی حرف زد مسائل خارج از آب در آب الی حد است و در حجاب قانون را زیر سوال برد قانون که اون مجلس همچین مجلس از مثلا کف جامعه یک چیزی در می‌آید نیست و یک وقت‌هایی این نماینده‌ای که قدرتی می‌شود که اتفاقا نماینده مرتجع ترین و ظالم‌ترین ایده‌ها است که ما در جهت اینکه که آن خواست عمومی که مثلا می‌خواود حجاب را به عنوان یک زور قبول نکند تلاش می‌کند بهش تحمیل کند. آیین‌نامه انضباطی دانشجویان .. موارد مختلفی که از این مجلس محترم و دولت محترم داریم می‌بینیم. بنابراین من فکر می‌کنم که اتفاقا الان راحت‌تر می‌شود که این نگاه مثلا آرمان‌گرایانه‌ای که در حقوق از قانون تصویب میشه رو زیر سوال برد. یک نکته من بگم که چندین بار گفته شد که تکرر به این معنی نیست که ما یک عرف و سنت و یک پیشا قانون.. یک چیزی از گذشته هست حالا از یک مقطعی به بعد قانون را داریم و این قدیمی‌ها با این جدیدی‌ها قراره که کنار هم باشه؛ نه! جامعه به صورت پویا همین الان قواعدی تنظیم می‌کند و برای حل و فصل مسائلی که به وجود میاد سراغ قواعدی می‌آید که اتفاقاً آن چیزی که حالا ما بهش می‌گوییم تکرر حقوقی اینا هست در کنار این که عرف هم هست و سنت هم هست، مذهب هم هست، چیزهای گذشته‌ای هست چیزهای جدید هم خلق میشه و داره عمل می‌کند.

یک مقاومتی وجود دارد که شما بگویید که قانون نیست، حقوق چیزی حالا با آن چیزی که دولت تصویب کرد و تعیین کرده فقط آن حقوق هست، خب ما اصلاً همچین اعتقادی نداریم و می‌گیم که هر تعریفی که شما از حقوق ارائه می‌دین اگر قید دولتی بودنش را کنار بگذارید می‌بینید که همان داره کف جامعه اتفاق می‌افتد از لازم‌الاجرا بودنش تا یعنی همون قد که قانون لازم‌الاجرا است قواعد محلی هم که شکل می‌گیرد، همانطور دارد کار می‌کند و هر ویژگی و خصیصه دیگه‌ای که شما برای قانون قائل باشید. بنابراین چه دلیلی دارد که ما بخواهیم حقوق رو منحصر کنیم به آن چیزی که از وقتی که دولت مدرن به وجود اومد، شکل گرفت. نکته دیگر این که باز چندین بار بحث شد در مورد این که راهکار ارائه نمیده یا راهکار چیه یا حالا مواردی از این دست.. من فکر نمی‌کنم هر پژوهشی حالا اتفاقاً شاید این پژوهش به معنایی راهکار هم داره ارائه میده، ولی خیلی مهمتر از این که راهکار ارائه بدهد، در واقع این راهکار ارائه دادن انگار از یک گفتمان درون اداری و درون رسمی هست. یعنی ما‌ها مثلاً دور میز قراره که یه چیزی را مشخص کنیم، یه راه حلی، یه قانونی و یک ساختاری و آن را تصویب بکنیم و این یک راهکار می‌شود. حالا هیچ اتفاقی هم به دنبالش نمی‌افتد و دوباره ۲ سال دیگه جمع می‌شویم دوباره از همین کارا می‌کنیم.. نه! اتفاقاً این پژوهش می‌خواهد همچین چیزهایی را، همچین رویه‌های رسمی رو مسئله ساز کند و بخشی از این مسئله ساز کردن اینه که همین که حقوق رو یک جمعی از نمایندگان، گروه‌های جمعی از خبرگان، جمعی از نخبگان جمع می‌شوند و قاعده‌ای که همه باید بر اساسش عمل کنند را تنظیم کنند. نه همچین نقشی ندارد و ما می‌خواهیم این را مسئله ساز بکنیم که آن موقع چشم ما بتواند چیزهای جدیدی ببیند و گوش ما بتواند صداهای جدیدی را بشنود که تا حالا شنیده شده نبود. یک نکته‌ی دیگر این است که تکثر حقوقی توصیه نیست این چیزی نیست که مثلاً در کجای دنیا اجرا شده است یا اینکه ما برای اجرایی شدنش باید چیکار کنیم تکثرگرایی حقوقی واقعیت وضع موجود است که ما می‌گوییم که هر موردی را که بخواهیم یعنی اگر که از متن‌هایی که نوشتیم و از جلساتی که هستیم خارج بشویم و برویم آن جایی که خوب قراره عمل بکنیم آنجا را مطالعه بکنیم می‌بینیم که شکل‌های مختلفی از نظم اجتماعی، شکل‌های مختلفی از قاعده‌ها و قاعده گذاری‌ها دارد عمل می‌کند که یکیش قانون است؛ باز یه نکته‌ی خیلی مهمی که فکر کنم در شاید همه نقدها بیان شد و حتماً

نشان دهنده ضعف ما در بیان مطلب است این است که به هیچ وجه این ادعا وجود ندارد که قانون چیز بدی است، قانون چیز کنار گذاشتنی است، قانون نباید وجود داشته باشد؛ از وقتی قانون آمد مسائل به وجود آمد، آب نباید مالکیت عمومی داشته باشد.. اصلاً همچنین ادعایی وجود ندارد و همانطور که تعریف تکثر گفتم، تکثرگرایی حقوقی به این معنی است که قرار نیست یک شیوه از واحد حقوقی بر شیوه‌های دیگر بخواند ارجعیت پیدا کند؛ بخواند در یک نظام سلسله مراتبی ما این قواعد اصلی و درست و کامل و این چیزا رو میذاریم حالا بقیه‌ی این پایین اگر با این مغایرتی نداشت شما هم باشید. نه! قانون هست در دیالوگ با شکل‌های دیگری از قواعد حقوقی که از نهادهای دیگر و از گروه‌های دیگر اجتماعی داره خلق میشه و بالا میاد. یک بحثی در مورد این شد که بحث غلبه و بحث قدرت. دقیقاً! من فکر می‌کنم که چه در همون حقوقی که مد نظر شما باشه و چه اون تکثر حقوقی که ما داریم می‌گوییم بله چیزی که تعیین کننده هست قدرت است ولی ایده‌ی ما این است که این قدرت را چطور می‌شود متکثر کرد. منم قبول دارم، قدرتی که از کف جامعه ایده‌هایی شکل می‌گیرد طبیعتاً گروه‌های پر زورتر هستند، سرمایه تاثیر می‌گذارد؛ آن دیدگاه سیاسی دموکراتیک یا غیر دموکراتیک که در لحظه حکومت هست خیلی زیاد تاثیر می‌گذارد و نهایتاً برآیند، این قانون می‌شود. در آن تکثر حقوقی هم کسی که صدایش بلندتر است قرار است که ایده و اراده‌ی خودش را تحمیل بکند ولی در این رویکردی که ما می‌گیریم من تصورم این هست که اتفاق خیلی دموکراتیک‌تر خواهد بود. قبل از اینکه جلسه شروع شود با خانم حسنی صحبت می‌کردیم که در این تکثر حقوقی، نسبت به اون قانون مداری آن زن خوزستانی که دارد گریه می‌کند که می‌گویند گاو میش من دارد به خاطر خشکی رودخانه کرخه و تالاب هورالعظیم می‌میرد آن عجز و ناله می‌تواند قوی‌تر از وزیر نیرو و نماینده‌ی قانونگذاری مجلس عمل کند. تکثر حقوقی یعنی این یعنی این قاعده‌ای که آقا گاو میش منم حق زندگی کردن داشته است. ریزگردی که دارد من را خفه می‌کند حق اون تالابی است که ندیدینش و این بخشی از حقوق است و این ایده‌ای که تالاب باید زنده باشد تا من بتوانم زندگی کنم این دقیقاً یک چیزی است که می‌تواند قدرتی بدهد به آن زن روستایی که از قدرتمندترین افراد در آن نظام قانونگذاری حقوق مدرن بتواند قوی‌تر عمل بکند. بنابراین بله، غلبه و قدرت هست ولی قدرتی که می‌تواند دموکراتیک‌تر و متکثرتر باشد و یک نکته‌ی دیگر هم

این است که اصلاً ایده‌ی ما این نیست که آن چیزی که آن قواعدی که در جامعه شکل می‌گیرد حالا چه در سنت عرف بوده چه همین الان شکل می‌گیرد اینا خیلی عادلانه و مبرا از قدرت و خیلی همه چیز خوبه و مثلاً رمانتیک و ایناس .. نه اتفاقاً حرف ما این است که آنها را هم به عنوان یک بخشی از حقوق بینیمش و بهش بپردازیم. برای اینکه بتوانیم نقدش بکنیم و برای این که خیلی وقتا همونها وقتی که نمی‌بینیمش، منشاء بسیاری از بی‌عدالتی و ناپایداری‌ها هست. باز این مثال را من می‌زنم ما یه موقع می‌گوییم که چاه غیر مجاز، وقتی که چاه غیر مجاز یعنی اینکه این نباید اصلاً باشد، این باید پاک باشد و چون که زورمون نمی‌رسه که آن چاه رو ببندیم و آن چاه می‌ماند و کار خودشم می‌کند و ما هم هی تو دفتر خودمون می‌گوییم بله چاه‌های غیر مجاز بلای آب و چه و چه و چه ولی یک ایده دیگر این است که طبیعتاً آن کسی که چاه را حفر کرده است خودش را دزد نمی‌داند و این خیلی مهم است که چه ایده‌ای چه حقی از منابع آب برای اون فرد قابل تصور بوده و در چه زیست - جهانی آن فرد به خودش این اجازه را داده است؟ آن آدمی که احتمالاً نمازش ترک نمیشه، واسه عاشورا نذری هم میدهد و در عین این حال می‌رود و چاهی هم حفر می‌کند که ما برچسب غیرمجاز روش می‌گذاریم. وقتی آن زیست جهان را درک کردیم و دیدیم که چه احساسی از بی‌عدالتی به این فرد این اجازه را می‌دهد که این چاه را حفر بکند، اون موقع طبیعتاً من هم به اندازه شما و شاید بیشتر از شما از سوراخ سوراخ شدن زمین بسیار ناراحت خواهم بود و من هم خیلی دوست دارم که آبخوان‌های ما متعادل باشد ولی ایده‌ی من این است که وقتی درک کنیم که آن چاه که بهش می‌گیم غیر مجاز چرا حفر شده است و در چه گفتمانی و در چه برداشتی از حقوق و چه تکثری از حقوق حفر شده است، بهتر می‌توانیم بفهمیم که این درد کجاست که آبخوان‌های ما درگیرش می‌شوند.

■ حسین زمانی :

آقای طالبی عزیز، آقای دکتر یک موضوعی را فرمودند ولی این توضیحات شما اوضاع را بدتر کرد یعنی اگر ۲۰ درصد انطباق داشت توضیحات شما با کتاب الان ۱۰ درصد هم کمتر شد. ببینید یک ورطه‌ای داریم ما این که در مد روز افتادن الان است. ببینید من همیشه یه نکته‌ای را میگما، من همیشه می‌گم قانون فرزند

زمان است باید با توجه به قانون‌ها ما آنها را اصلاح کنیم، ولی در مد روز نیفتد. بین این تکثرگرایی هیچ ربطی به موضوعی که مطرح کردید و اینجور چیزها ندارد. یک روز محیط زیست مد می‌شود یک روز آب مد. شما در ورطه مد روز نیفتید. بحث ما حقوقی بود چون الان با این توضیحاتی که بیان فرمودید بحث این که اصلا من عنوان کتاب را می‌خواستم یک ذره نظر دوستان را هم تایید کنم تا حالا بریم اصلا از بحث حقوقی خارج شد. شما باید بگید تکثرگرایی فلسفی در آب. شما از حقوقم خارج شدی الان با اصلا باعث فلسفه شدید اینکه حق من چی است؟ این برای چی است؟ .. که اصلا از این داستان‌ها خارج شدید. ببینید من یک عبارتی دارم بر این موضوعات. آقای کریمی هم بیان کردند، من خیلی آرام وارد بحث می‌شوم. مجبورم یک مقدار از آن عدول کنم. ببینید! واقعیت شما یک فرانکن اشتاین تحویل ما دادید. رک بگم آقای براری هم که می‌گویند. توضیحات بیشتر شما یک فرانک اشتاین تحویل ما داد. من از اول هم گفتم که بهتر شد که حقوقی اینکار را انجام نداد چون این کتابی که شما رسیدید هیچ وقت به حقوقی نمی‌رسید شاید یک کاربردی می‌شد که همه چیزی که همه می‌دانیم یعنی بیش از این فراتر نمی‌رفت. ولی همچنان روی حرفم هستم که بهتر که یک حقوقی آن را انجام نداد؛ ولی شما الان دارید یک موجود فرانکن اشتاینی تحویل ما می‌دهید. یک موضوع را از یک مد و شیوه‌ای و یک موضوع را از یک نظام حقوقی دیگه برداشتید وارد یک نظام دیگر دارید می‌کنید. همانطور که دوستان فرمودند و از نظام کامن لا آن را برداشته و وارد نظام رومی - ژرمنی می‌کنید. ببینید الان شما اگر به تکثرگرایی حقوقی به عبارت *Legal pluralism* می‌خواهید برسید، یعنی شما می‌خواهید پلورالیسم حقوقی را بگویید؛ پلورالیسم حقوقی یعنی نظام‌های مختلف حقوق است. مثلا در ایران به کمی از این را داریم یک کمی، حالا من اسمش با آقای دکتر مناقشه نمی‌کنم. مثلا من شیعه برای ازدواج، برای ارث .. در خصوص فقه خودم فقه شیعی هستم، قانون کشورم قبول کرد که اهل سنت برای فقه خودش و زرتشتی بر مبنای فقه خودش و مسیحی همین گونه است .. این یک پلورالیسم است. یعنی چند نظام حقوقی مختلف بر جوامع مختلفی بر یک موضوع اعمال می‌شود. شما اما دارید می‌گید که نظام‌های بهره‌برداری آب را در یک کشور برای یک دولت {state} می‌خواهید اعمال کنید که با نظام‌های مختلف این کار را انجام می‌دهید. شما عملا در کتاب دنبال این هستید بر اصفهان یک نظام بهره‌برداری، اگه دنبال پلورالیسم حقوقی هستید

این هست، یعنی در اصفهان یک نوع در آذربایجان یک نوع در زنجان و در گیلان یک نوع دیگر باشد. این نوع دقیقاً برخلاف عدالتی می‌شود که شما در کتاب دارید آن را فریاد می‌زنید. یعنی عملاً آن عدالت رو در یک ملت زیر سوال می‌برید و دوم این که اساساً این بر خلاف نظم می‌شود. غیریت در مقابل ملت سازی می‌شود. شما تکثرگرایی حقوقی رو کجا فکر کردید پیدا کردید؟ در کشورهای استعماری دچار تکثرگرایی استعماری بودند. قبل از این که فرض کنید انگلستان بیاد وارد هندوستان شود، یک نظام نمی‌دانم ترکان مغول آنجا بودند ترکان بودند و مغولان بودند و هندوها بودند و .. خب انگلیس هم آمد یک حقوق دیگه‌ای وارد کرد عملاً در مقابل یک ملت‌سازی مقاومت ایجاد کرد. شما دیدید هندوستان چند پارچه شد و بنگلادش یک طرف پاکستان یک طرف و احتمال دارد ۱۰ سال دیگر موضوعی دیگر پیدا شود. این چیزی که شما می‌فرمایید با توجه به اینکه یک تکه‌هایی از موجودات مختلف را از جاهای دیگر کنید و وارد یک سیستم دیگر می‌کنید جواب نمی‌دهد. مثل یک ماشین Rd می‌شود. ماشین‌هایی که ایران خودرو و سایپا درست می‌کنند. شما شاسی رو از یک جای دیگه برمی‌دارید و موتور را از یک جای دیگه برمی‌دارید. شاید ظاهراً راه برود ولی ۱۰۰ درصد خسارت خواهد زد و منجر به مرگ یا منجر به خسارت خواهد شد. این را در نظر بگیرید، آقای طالبی ببینید خواهشاً آگه بحث حقوقی می‌کنید یا بحث حالا هر چی هست هر چی نیست حالا من خودم فنی بودم، حقوقیم .. مثلاً هر ۲ جانب رو دارم، ولیکن شما خواهشاً اولاً در دام مد زمان نیفتید و دردام مد روز نیفتید آگه می‌خواهید در این باره بحث کنید و درباره این موضوع صحبت کنید. این‌ها را شما الان باید بحث کنید آقای طالبی عزیز، این که می‌آیید و می‌گویید تکثر حقوقی یعنی چی؟ راست می‌گند دوستان، من اصلاً می‌خواستم بگم اسمش یعنی همون تکثر در نظام‌های بهره‌برداری است و این دم دست ترین اسم موجود است ولی الان شما من رو اصلاً به این سمت نشانیدید که بگویم آقا اصلاً تکثرگرایی فلسفی در مسئله آب است. شما به نظر من دنبال این بودید. اصلاً ببینید من به عنوان یک حقوقدان صحبت نمی‌کنم. بحث این است که شما الان یک ایده‌ای باید از اینجا بدید که دنبال این هستید که آیا نظام‌های بهره‌برداری مختلف را بر جوامع مختلف در یک سرزمین اعمال کنید؟ تکثرگرایی حقوقی که شما دنبالش هستید از این عنوان این است. یعنی دوستان غیر از این به ذهن شما می‌رسد؟

■ سروش طالبی:

الان من مثلاً همون مثال آب بهایی که گفتم خب واقعاً جای مختلف به شکل های مختلفی عمل می‌کنیم. چرا؟ چون که مثلاً ورامین رو شما امروز آب میدین، مطمئن نیستید که ۲ هفته دیگر هم می‌توانید آب بدهید یا نه؟ این باعث می‌شود که در مثلاً نسبت به یک جای دیگه در شبکه میاندوآب همه چیز عوض بشود. عملاً خود شما دارید تکثرگرایانه عمل می‌کنید و واقعیت آب این است و من نمی‌فهمم که چرا جاهای مختلف، متفاوت باشد معنیش بی عدالتی است؟

■ حسین زمانی:

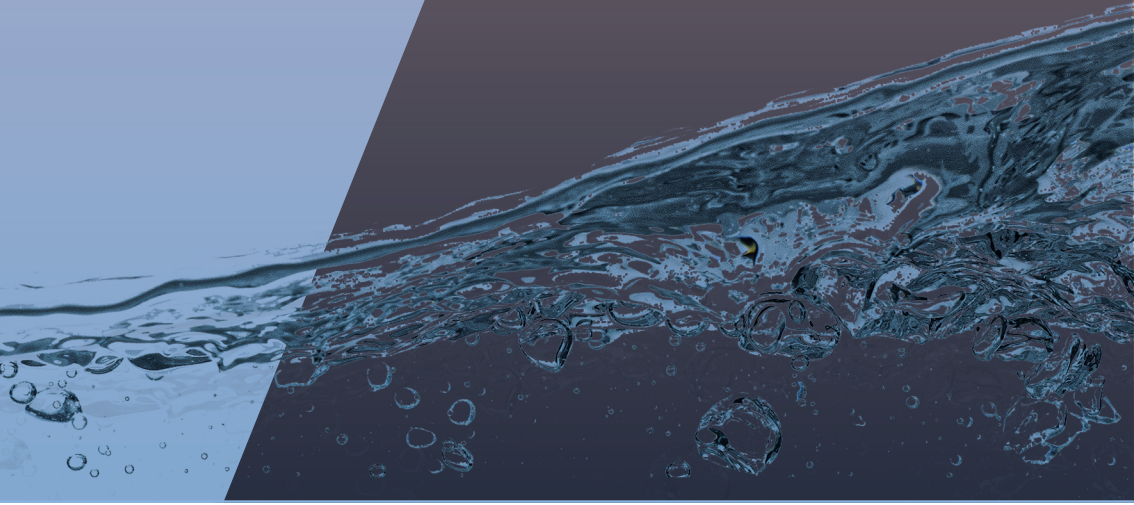
آن کمبودهایی که در مورد قانون داریم را باید به روز رسانی کنیم و آن را بومی سازی کنیم و آن چیزی که در ذهن شما به عنوان تکثرگرایی است این نبوده است و این چیزی هم که هست دارید به من ارائه می‌دهید این موضوع نیست. یعنی چی که یک خانمی در خوزستان بگوید که من برای گاو میش‌هایم آب می‌خواهد. این آیا در حقوق فعلی ما وجود ندارد؟ کی می‌گوید وجود ندارد؟ کی می‌گوید که فریاد یک نفر باعث ایجاد حقوق می‌شود؟ این موضوع اصلاً چه معنایی دارد؟ این حقوق نیست. این صرفاً نحوه مطالبه بهره‌برداری از آب است. عزیز من این حقوق آب نیست که شما نوشتید. شیوه‌ی بهره‌مندی از آب در شهر به یک نحو است، در روستا یک نحو است و برای کشاورزی هم به یک نحو است که آقای دکتر هم بیان فرمودند. ای کاش این توضیحات را بیشتر نمی‌دادید و من به همین کتاب بسنده می‌کردم و بیشتر آن را می‌پسندیدم. این نقد است و شما دلسرد نشوید و شاید من در اشتباه هستم و اینکه من کامل این را رد نمی‌کنم.

■ عباسقلی جهانی:

ببینید دوستان ما اصلاً فرض کنیم که این مجموعه را کنار بگذاریم و در وضع موجود شرایط آب کشور در یک شرایط بحرانی قرار دارد و اگر چنانچه مجموعه افراد دخیل که به اصطلاح تیپ elite جامعه و روشنفکرا و چه دست‌اندرکاران چاره‌اندیشی نکنند این وضعیت احتمالاً برگشت‌ناپذیر خواهد بود. سوال این است که ما برای به وجود آمدن یک هم‌چین مسئله‌ای در آب یک سلسله مقررات، اقدامات، نهادها و مجموعه‌ای که ما اسمش را می‌گذاریم حکمرانی آب دخالت کرد؛ سوال مشخص این هست که آیا قوانین موجود در آب در ایجاد این مشکل دخالت داشتند و اگر دخالت داشتند برای برون رفت از این برای حل و فصل این مولفه چه باید کرد؟ به اعتقاد من حالا صرف نظر از لغت‌ها از عناوین که حالا دوستان فرمودند این مجموعه‌ای که هست موضوع را طرح می‌کند. موضوع اصلی را یا مسئله را طرح می‌کند. ولی این که چگونه حالا برای برون رفت از این شرایط، حالا به وضوح من به طور مثال مسئله‌ی قانون رو دارم می‌گم، چه باید کرد و چه مسیری رو چه نقشه‌ی راهی را باید انتخاب کرد که قانون به کمک حل فصل وضع موجود و بدتر شدن شرایط آینده کمک بکند این چیزی است که از جامعه‌ی حقوقی مورد انتظار هست. اشکالی ندارد این را به عنوان یک نقطه‌ی ورود یا به عنوان فرض کنید که مدرک یا سند و یا هر چی و اصطلاح آن working sheet است به قول فرنگی‌ها قبول بکنیم. ولی این واقعیت رو هم توجه کنیم که در این واقعیت به نظر من ما برای آن صحبت می‌کنیم که کمک دوستان حقوقی بسیار مفید است و البته همانطور که عرض کردم فقط انتزاعی اصلاً کار به جایی نمی‌برد. مثلاً افراد حقوقی با هم بشینند درد دل بکنند و بگویند .. ؛ اینجا انتزاعی است بلکه در تعامل با اون متقاضی که بحث شد، بتوانند برایش راه حلی پیدا کنند. به نظر من این یک نقطه‌ی ورود است البته شاید آقای مهندس هم نیاز باشه که اصلاحاتی در این کتاب انجام بدهند ولی من فکر می‌کنم این نکته را در نظر بگیریم که چه نقشه‌ی راهی حقوق دانای ما پیشنهاد می‌کنند که معزل قانون را بتوانیم در حل و فصل بحران آب تخفیف بدهیم البته بحث می‌تواند خیلی به درازا کشیده شود و من پیشنهاد می‌کنم که یک نوبت دیگری هم اگر به اصطلاح خود‌اندیشکده صلاح بداند ما در این زمینه با همدیگه بحث کنیم. ما این را قبول و از زحمتی که کشیده شده است ارج می‌گذاریم.

■ دبیر نشست:

در واقع، دیدگاه از نگارش کتاب تو مقدمه نه فقط این اثر، بلکه کلاً رویکرد اندیشکده نسبت به حوزه‌های غیرفنی دیگه این بوده که اساساً اندیشکده از زمان تاسیس سعی کرده که توجه داشته باشد به جنبه‌های غیر فنی آب که حالا من جمله حقوق بود علوم اجتماعی بود و اقتصاد بود که به رغم تلاش‌هایی که انجام گرفت من خودم تصور می‌کنم که ما تو رویکردهای علوم اجتماعی بیشتر موفق‌تر بودیم تا جنبه‌های حقوقی، علی‌رغم کارهایی که انجام شد. ولی این دایره رو برای خودمان ترسیم کردیم که سعی می‌کنیم در اندازه‌ی طرح مسئله ورود پیدا کنیم. یعنی این صحبت که آقای براری کرد که خیلی موضوعات آموزنده‌ای داشت شاید، این خودش برای من قانع‌کننده بود که خب حالا مثلاً ما توانستیم یک سری مواردی را از این نگرانی‌ها و مسائل و دغدغه‌هایی که در ارتباط با حقوق آب وجود داشته باشه به آقای براری که خودشان یک حقوقدان هستند منتقل کنیم.



انديشگده تدبير آب ايران
فلا بازار کتب، صنایع معدنی و کشاورزی، تهران